

بررسی اصل حاکمیت اراده در قراردادهای نفتی

علیرضا براتی^۱ و مجید رحمانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۰

چکیده

در این مقاله به بررسی اصل حاکمیت اراده در قراردادهای نفتی پرداخته می‌شود. اصل حاکمیت اراده به عنوان یکی از اصول اساسی حقوق قراردادهای، به افراد اجازه می‌دهد تا در چارچوب قانون و توافق‌های قراردادی، با آزادی و اختیار کامل درباره حقوق و تعهدات خود تصمیم‌گیری کنند. در قراردادهای نفتی، به دلیل پیچیدگی‌های فنی و اقتصادی و نیز حضور دولت‌ها به‌عنوان یکی از طرف‌های اصلی قرارداد، نقش این اصل بیش از پیش مورد توجه قرار می‌گیرد. در این پژوهش پس از بیان کلیات و مفاهیم اساسی اصل حاکمیت اراده و تحلیل کاربرد این اصل در قراردادهای نفتی، مباحث مرتبط با مفاد قرارداد، توافقات مالی، مسائل حقوقی و تأثیرات زیست‌محیطی مورد بررسی قرار می‌گیرد. به‌علاوه، نقش دولت‌ها و نهادهای نظارتی در اجرای این اصل و چالش‌های مرتبط با آن مورد تحلیل قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، با توجه به تحولات جهانی در صنعت نفت و تغییرات قانونی و مقرراتی، این پژوهش به بررسی تأثیر این تحولات بر اصل حاکمیت اراده در قراردادهای نفتی می‌پردازد. همچنین، نمونه‌های عملی از قراردادهای نفتی در کشورهای مختلف مورد بررسی قرار گرفته و تجربیات این کشورها در استفاده از این اصل تحلیل می‌شود. در پایان، نتایج حاصل از این بررسی‌ها نشان می‌دهد که اصل حاکمیت اراده، با وجود چالش‌ها و محدودیت‌های موجود، همچنان به‌عنوان یکی از اصول پایه‌ای و مهم در تنظیم قراردادهای نفتی مطرح است. این اصل، با ایجاد تعادل میان حقوق و تعهدات طرفین قرارداد، به افزایش شفافیت و اطمینان در روابط قراردادی کمک می‌کند و نقش مهمی در تحقق منافع مشترک دارد.

کلید واژه‌ها: حاکمیت اراده، قراردادهای نفتی، حقوق قراردادهای، نقش دولت‌ها، تعهدات قراردادی.

استناد فارسی (شیوه‌ی APA، ویرایش هفتم، ۲۰۱۹؛ شیوه‌ی APSA)

براتی، علیرضا؛ رحمانی، مجید (زمستان ۱۴۰۴). «بررسی اصل حاکمیت اراده در قراردادهای نفتی». پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه، سال هشتم، شماره ۴، پیاپی ۳۲، صص ۱۴۶-۱۰۳.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، نورآباد ممسنی، ایران.

ایمیل: Alireza.barati5396@iau.ac.ir

^۲ مربی گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، نورآباد ممسنی، ایران. ایمیل: Rahmani_iau@yahoo.com
کپی‌رایت © ۲۰۱۰، ایسک (اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه شیراز). این متن، مقاله‌ای برای دسترسی آزاد است که با توجه به استاندارد بین‌المللی CCA (Creative Commons Attribution) نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می‌دهد این اثر را با راجیکری کنند، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

۱. مقدمه

قراردادهای نفتی به‌عنوان یکی از پیچیده‌ترین و حساس‌ترین قراردادهای تجاری در سطح جهانی شناخته می‌شوند. این قراردادها با توجه به نقش حیاتی نفت به عنوان منبع انرژی و همچنین تأثیرات اقتصادی، سیاسی و زیست‌محیطی آن، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. اصل حاکمیت اراده به‌عنوان یکی از اصول اساسی حقوق قراردادهای، در تنظیم و اجرای این قراردادها نقش بسزایی دارد.

اصل حاکمیت اراده به‌معنای توانایی افراد در تصمیم‌گیری آزادانه درباره‌ی حقوق و تعهدات خود در چارچوب قوانین و توافقات قراردادی است. این اصل با ایجاد فضای مناسب برای توافقات دو طرفه، به تعادل و تعهد در قراردادها کمک می‌کند. در قراردادهای نفتی، با توجه به وجود دولت‌ها به‌عنوان یکی از طرف‌های اصلی و نیز پیچیدگی‌های فنی و اقتصادی، رعایت این اصل بیش از پیش ضروری به‌نظر می‌رسد.

در این مقاله، به بررسی اصول و مبانی حاکمیت اراده در قراردادهای نفتی پرداخته می‌شود. ابتدا به بررسی مفاهیم و تعاریف مرتبط با اصل حاکمیت اراده و جایگاه آن در حقوق قراردادهای خواهیم پرداخت. سپس به تحلیل کاربرد این اصل در قراردادهای نفتی پرداخته و چالش‌ها و موانع موجود در این زمینه را بررسی خواهیم کرد. در ادامه، به بررسی نقش دولت‌ها و نهادهای نظارتی در اجرای این اصل و تأثیرات آن بر شفافیت و اعتماد در روابط قراردادی خواهیم پرداخت.

یکی از موضوعات کلیدی در این بحث، تعامل میان اصل حاکمیت اراده و مقررات دولتی است. در بسیاری از قراردادهای نفتی، دولت‌ها به‌عنوان یکی از طرف‌های قرارداد، نقش مهمی در تعیین شرایط و ضوابط دارند. این موضوع می‌تواند منجر به تضاد میان حاکمیت اراده و مقررات دولتی شود. در این مقاله، به بررسی این تضادها و راه‌حل‌های ممکن برای ایجاد تعادل میان این دو موضوع خواهیم پرداخت.

علاوه بر این، با توجه به تحولات جهانی در صنعت نفت و تغییرات قانونی و مقرراتی، تحلیل تأثیرات این تحولات بر اصل حاکمیت اراده در قراردادهای نفتی ضروری است. تغییرات در قیمت نفت، تکنولوژی‌های جدید استخراج، تغییرات قانونی و مقرراتی در سطح ملی و بین‌المللی، همگی می‌توانند بر نحوه اجرای این اصل تأثیرگذار باشند. در پایان، به بررسی نمونه‌های عملی از قراردادهای نفتی در کشورهای مختلف پرداخته و تجربیات این کشورها در استفاده از اصل حاکمیت اراده را تحلیل خواهیم کرد. این نمونه‌ها می‌توانند نشان‌دهنده‌ی روش‌های موفق و ناکام در اجرای این اصل و راهکارهای ممکن برای بهبود روابط قراردادی باشند.

۲. بیان مسئله

اصل حاکمیت اراده به‌عنوان یکی از ارکان اساسی حقوق قراردادهای نفتی، به طرفین اجازه می‌دهد تا به‌طور آزادانه و بدون دخالت نهادهای دولتی، مفاد و شرایط قراردادهای خود را تعیین کنند. این اصل در زمینه‌ی قراردادهای نفتی، که به‌دلیل تأثیرات گسترده اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، به‌ویژه در کشورهای تولیدکننده نفت، با چالش‌های خاصی مواجه می‌شود.

قراردادهای نفتی به‌دلیل ماهیت پیچیده و چندوجهی خود، شامل جنبه‌های حقوقی، اقتصادی، سیاسی و زیست‌محیطی هستند. در این راستا، حاکمیت اراده می‌تواند تحت تأثیر عوامل متعددی قرار گیرد. به‌عنوان مثال، در بسیاری از کشورها، قوانین ملی و بین‌المللی، به‌ویژه در زمینه حفاظت از منابع طبیعی و حقوق بشر، ممکن است محدودیت‌هایی را برای حاکمیت اراده ایجاد کنند. همچنین، فشارهای اقتصادی و سیاسی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، می‌تواند بر توانایی طرفین در تعیین شرایط قرارداد تأثیر بگذارد (درخشان، ۱۳۹۲).

از سوی دیگر، در قراردادهای نفتی، تعادل میان منافع ملی و منافع شرکت‌های نفتی بین‌المللی نیز یک چالش اساسی است. کشورهای تولیدکننده نفت به‌دنبال حداکثر کردن منافع اقتصادی خود از منابع طبیعی هستند، در حالی که شرکت‌های نفتی به‌دنبال کاهش هزینه‌ها و افزایش سود خود هستند. این تضاد منافع می‌تواند منجر به بروز اختلافات و دعاوی حقوقی شود که در نهایت بر اصل حاکمیت اراده تأثیر می‌گذارد (زارع، ۱۴۰۱).

سوالات کلیدی که در این مقاله به آن‌ها پرداخته می‌شود شامل موارد زیر است:

۱. آیا حاکمیت اراده در قراردادهای نفتی به‌طور کامل رعایت می‌شود و چه موانعی بر سر راه آن وجود دارد؟

۲. چه عواملی می‌توانند بر اصل حاکمیت اراده تأثیرگذار باشند، از جمله قوانین ملی، فشارهای اقتصادی و سیاسی و تفاوت‌های فرهنگی؟

۳. چگونه می‌توان تعادل میان حاکمیت اراده و الزامات قانونی و اقتصادی را برقرار کرد تا منافع طرفین به‌طور عادلانه تأمین شود؟

۴. چه راهکارهایی می‌توان برای تقویت اصل حاکمیت اراده در قراردادهای نفتی ارائه داد و چگونه می‌توان از بروز اختلافات و دعاوی حقوقی جلوگیری کرد؟

این مقاله با هدف تحلیل و بررسی ابعاد مختلف حاکمیت اراده در قراردادهای نفتی، به شناسایی چالش‌ها و فرصت‌ها در این زمینه می‌پردازد و تلاش می‌کند تا با ارائه‌ی راه‌کارهایی عملی و حقوقی، به بهبود و تقویت این اصل در راستای تأمین منافع طرفین و توسعه‌ی پایدار صنعت نفت کمک کند.

این بررسی می‌تواند به‌عنوان یک منبع معتبر برای پژوهشگران، حقوق‌دانان و تصمیم‌گیرندگان در حوزه نفت و انرژی مورد استفاده قرار گیرد و به درک بهتر از تعاملات پیچیده میان حاکمیت اراده و الزامات قانونی و اقتصادی در قراردادهای نفتی کمک کند.

۳. اهداف پژوهش

در ادامه‌ی بررسی‌های صورت‌گرفته در زمینه‌ی اصل حاکمیت اراده در قراردادهای نفتی، اهداف این مقاله به‌شرح زیر است:

- تحلیل مفهوم حاکمیت اراده: هدف نخست این مقاله، بررسی دقیق مفهوم حاکمیت اراده در حقوق قراردادهای نفتی و تبیین اهمیت آن در زمینه قراردادهای نفتی به‌عنوان یکی از ارکان اساسی در تنظیم روابط حقوقی میان طرفین است.
- بررسی تأثیرات اقتصادی و اجتماعی: ارزیابی تأثیرات اقتصادی و اجتماعی حاکمیت اراده بر قراردادهای نفتی و تحلیل چگونگی تأثیرگذاری این اصل بر توسعه پایدار و منافع ملی کشورهای تولیدکننده نفت، هدف سوم این مقاله است.
- تحلیل تضاد منافع: بررسی تضاد منافع میان کشورهای تولیدکننده نفت و شرکت‌های نفتی بین‌المللی و تحلیل چگونگی تأثیر این تضاد بر اصل حاکمیت اراده و شرایط قراردادهای نفتی، از دیگر اهداف کلیدی این تحقیق است.
- تحلیل تجارب بین‌المللی: بررسی تجارب موفق کشورهای دیگر در زمینه رعایت حاکمیت اراده در قراردادهای نفتی و استخراج درس‌های آموزنده برای کشورهای تولیدکننده نفت، هدف دیگری است که در این مقاله به آن پرداخته خواهد شد.

این اهداف به‌منظور ارائه یک تحلیل جامع و عمیق از اصل حاکمیت اراده در قراردادهای نفتی و تأثیرات آن بر روابط حقوقی و اقتصادی میان طرفین قراردادهای طراحی شده‌اند و امید است که نتایج این پژوهش به بهبود و تقویت این اصل در راستای تأمین منافع طرفین و توسعه پایدار صنعت نفت کمک کند.

۴. سوالات و فرضیات پژوهش

با توجه به اهداف مطرح‌شده در این مقاله، سوالات و فرضیات زیر به‌منظور بررسی دقیق‌تر اصل حاکمیت اراده در قراردادهای نفتی طراحی شده‌اند:

۴-۱. سوالات پژوهش

۱. آیا حاکمیت اراده در قراردادهای نفتی به‌طور کامل رعایت می‌شود و چه موانعی بر سر راه آن وجود دارد؟
۲. چه عواملی می‌توانند بر اصل حاکمیت اراده تأثیرگذار باشند، از جمله قوانین ملی، فشارهای اقتصادی و سیاسی و تفاوت‌های فرهنگی؟
۳. چگونه می‌توان تعادل میان حاکمیت اراده و الزامات قانونی و اقتصادی را برقرار کرد تا منافع طرفین به‌طور عادلانه تأمین شود؟
۴. چه راهکارهایی می‌توان برای تقویت اصل حاکمیت اراده در قراردادهای نفتی ارائه داد و چگونه می‌توان از بروز اختلافات و دعاوی حقوقی جلوگیری کرد؟

۴-۲. فرضیات تحقیق

- فرضیه اول: حاکمیت اراده در قراردادهای نفتی به‌طور کامل رعایت نمی‌شود و موانع قانونی و اقتصادی بر سر راه آن وجود دارد.
- فرضیه دوم: قوانین ملی و بین‌المللی، فشارهای اقتصادی، سیاسی و تفاوت‌های فرهنگی به‌طور قابل توجهی بر اصل حاکمیت اراده تأثیر می‌گذارند.
- فرضیه سوم: تضاد منافع میان کشورهای تولیدکننده نفت و شرکت‌های نفتی بین‌المللی منجر به بروز اختلافات و دعاوی حقوقی می‌شود.
- فرضیه چهارم: ارائه راهکارهای حقوقی و عملی می‌تواند به تقویت اصل حاکمیت اراده در قراردادهای نفتی و جلوگیری از بروز اختلافات کمک کند.

۵. پیشینه پژوهش

بلندی برزکی و جلالی در سال ۱۴۰۲ در بررسی جایگاه قرارداد بین‌المللی «مشارکت در سرمایه‌گذاری» در صنعت نفت ایران به این نتیجه دست یافتند که: مشارکت در سرمایه‌گذاری، قراردادی است که به موجب آن دو یا چند شریک تجاری جهت اجرای یک طرح اقتصادی مشخص مشارکت کرده و از طریق آورده‌های نقدی و یا غیرنقدی، در آن طرح سرمایه‌گذاری می‌نمایند. «مشارکت در سرمایه‌گذاری» یکی از شیوه‌های قراردادی بین‌المللی است که می‌تواند در صنعت نفت نیز استفاده شود. در ایران، اگرچه این شیوه مطابق قانون نفت ۱۳۳۶ مجاز شمرده شده بود، با

تغییر قوانین نفت، ابتدا در قانون نفت ۱۳۵۳ استفاده از این روش در «عملیات بالادستی» صنعت نفت و سپس در قانون نفت ۱۳۶۶ به طور کلی استفاده از هر نوع شیوه‌ی مشارکتی در صنعت نفت، ممنوع اعلام شد. قانون نفت ۱۳۹۰ علاوه بر اصلاح موادی از قانون نفت ۱۳۶۶، مقررات قانون نفت ۱۳۵۳ را ملغی کرده است، با اینکه ممنوعیت استفاده از روش‌های مشارکتی بر اساس قانون مزبور همچنان به قوت خود باقی است، به نظر می‌رسد با توجه به قوانین جدید، استفاده از این مدل قراردادی در صنعت نفت و گاز مجاز شمرده می‌شود. چنان‌که با رونمایی از قراردادهای نفتی جدید در فضای پس از برجام که در آن یکی از اولویت‌های اصلی کشور جذب مشارکت خارجی در سرمایه‌گذاری اعلام شده است، قوانین جدیدالتصویب، برخی به صراحت و برخی به طور ضمنی استفاده از این مدل قراردادی را در قراردادهای نفتی مجاز دانسته‌اند. در این مقاله پس از ذکر ارکان این نوع قرارداد و ذکر پیشینه‌ی استفاده از این مدل قراردادی در صنعت نفت تلاش خواهد شد با تحلیل قوانین جدید موضع قانونگذار در امکان استفاده از این مدل قراردادی در صنعت نفت و گاز بررسی شود.

امین زاده و نصراللهی در سال ۱۳۹۹ در بررسی پژوهش تبیین ماهیت قراردادهای نفتی از دیدگاه حقوق اداری به این نتیجه رسیدند که: وجود عنصر شخص حقوقی عمومی در قراردادهای نفتی و اقتضات خاص آن، سبب اختلاف نظر میان حقوق دانان در ماهیت قراردادهای نفتی از لحاظ اداری و غیراداری قلمداد کردن آن شده است. صاحب‌نظرانی همچون «پروفسور دوگی»، به وحدت ماهیتی قراردادهای اداری با غیراداری باور دارند. از این رو، تفاوتی میان اداری قلمداد کردن قراردادهای نفتی با غیراداری دانستن آن‌ها وجود ندارد. در هر دو، حاکمیت اراده بر آن حاکم است. گروهی دیگر بر آنند که قرارداد نفتی اداری تلقی گردد یا غیراداری، از حیث رعایت الزامات قانونی متمایز است و نمی‌توان حکم یکسانی بر تمامی قراردادهای که یک طرف آن دولت است، قائل شد. قراردادهای نفتی به لحاظ تأکید اصول حاکمیتی، وجود احکام و امتیازات خاص (ترجیحی، اقتداری)، عنصر شخص حقوقی عمومی، ارتباط مستقیم آن با منافع عمومی، عموماً تابع قراردادهای اداری است. پژوهش پیش رو، ضمن بیان دیدگاه‌ها، به تبیین شاخص‌های اداری و غیراداری و انطباق آن با قراردادهای نفتی می‌پردازد.

ابراهیمی، سید نصرالله و عینی در سال ۱۳۹۶ در بررسی عنوان اصل آزادی قراردادی و محدودیت‌های آن در قراردادهای بالادستی نفتی بر اساس مدل جامع تفصل^۱ دریافتند که: اصل آزادی قراردادی از اصول بنیادین قراردادهای بین‌المللی به ویژه در صنعت نفت و گاز است. گرچه قراردادهای بالادستی نفتی نیز، از آزادی قراردادی تبعیت می‌کند، اما به دلیل ماهیت خاص این قراردادها، اصول مزبور مشمول محدودیت‌هایی است، که نیازمند به بررسی است. در این مقاله تحلیل موضوعات فوق با رویکردی علمی و عملی مورد توجه قرار می‌گیرد، با این رهیافت که شرایط

^۱. TEFCEL

و مفاد قراردادها به گونه‌ای طراحی، مذاکره، منعقد و اجرا شود که سرمایه‌گذاری‌های نفتی را تسهیل کند و موجبات توسعهٔ میادین نفت و گاز را بر اساس توازن قراردادی و اصل برد-برد در منافع قراردادی فیما بین دولت‌های میزبان / شرکت‌های ملی نفت^۱ و شرکت‌های بین‌المللی نفتی^۲ فراهم سازد.

کاظمی نجف آبادی در سال ۱۳۹۵ در بررسی مالکیت نفت در قراردادهای نفتی بین‌المللی از منظر حقوق خصوصی به این نتیجه دست یافتند که: زمان و مکان انتقال مالکیت نفت استخراج‌شده یکی از نقاط چالش‌برانگیز در قراردادهای نفتی بین‌المللی بوده است. در روابط قراردادی نفتی از یک‌سو کشور میزبان قرار دارد که معمولاً قانون خود را حاکم بر قرارداد قرار می‌دهد و از سوی دیگر شرکت خارجی وجود دارد که به دلیل سابقه‌ی قراردادهای نفتی معمولاً تحت‌تأثیر حقوق کشورهای انگلیسی‌زبان یا کامن‌لا است. در حقوق کامن‌لا مالکیت بنا بر توافق طرفین انتقال پیدا می‌کند، اما در حقوق ایران انتقال مالکیت یک حکم قانونی است و بنا بر نوع قرارداد زمان و مکان این انتقال متفاوت است. در اکثر کشورهای نفتی از راه‌حل حقوق کامن‌لا مبنی بر توافقی بودن انتقال مالکیت استفاده می‌شود، اما استفاده از این راه‌کار در حقوق ما نیازمند نص قانونی است که با نسخ قوانین نفت قبلی وجود خارجی ندارد. لذا باید دقت داشت که تصریح به زمان و مکان انتقال مالکیت در قراردادهای نفتی مخصوصاً قراردادهای امتیازی و مشارکت در تولید در چهارچوب فعلی قانونی ما بلااثر و بی‌نتیجه است.

یانی یونیسار یاسین، ایرما ساهویتری لادو در سال ۲۰۲۵ در بررسی عنوان اصل آزادی قرارداد در قراردادهای تجاری بین‌المللی به این نتیجه رسیدند که: این مطالعه با هدف تحلیل اصل آزادی قرارداد در قراردادهای تجاری بین‌المللی، با تمرکز بر زبان مورد استفاده در قرارداد و قوانین و مقررات مربوطه انجام شده است. اصل آزادی قرارداد یکی از اصول اساسی در حقوق قراردادها است که به طرفین اجازه می‌دهد تا قراردادهایی متناسب با نیازها و منافع خود منعقد کنند. در قراردادهای تجاری بین‌المللی، زبان مورد استفاده می‌تواند نقش مهمی در تعیین معنا و تفسیر قرارداد ایفا کند. تفاوت در زبان و فرهنگ می‌تواند باعث سوء تفاهم و دشواری در تفسیر قراردادهای منعقد شده شود. بنابراین، این مطالعه به بررسی چگونگی بررسی استفاده از زبان اندونزیایی در قراردادهای تجاری بین‌المللی از اصل آزادی قرارداد و همچنین چگونگی تطبیق بیشتر اصلاحات قانونی مربوط به استفاده از زبان در قراردادهای تجاری بین‌المللی خواهد پرداخت. این مطالعه از روش تحلیل هنجاری با رویکرد حقوقی استفاده می‌کند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که اصل آزادی قرارداد در قراردادهای تجاری بین‌المللی به طرفین اجازه می‌دهد تا زبان مورد استفاده در قرارداد را تعیین کنند که یکی از آنها زبان اندونزیایی است. با این حال، طرفین باید مزایا و معایب استفاده از زبان را در نظر بگیرند و اطمینان

^۱. NOCs

^۲. IOCs

حاصل کنند که استفاده از زبان مطابق با اصل آزادی قرارداد و قوانین و مقررات مربوطه است. بنابراین، بررسی نقش زبان در قراردادهای تجاری بین‌المللی و پیامدهای آن برای رویه‌های تجاری جهانی حائز اهمیت است. انتظار می‌رود این مطالعه به درک اصل آزادی قرارداد در قراردادهای تجاری بین‌المللی و نقش زبان در توافقات کمک کند. نتایج این مطالعه همچنین می‌تواند به عنوان مرجعی برای متخصصان حقوقی و تجاری در تدوین قراردادهای تجاری بین‌المللی مؤثر و کارآمد مورد استفاده قرار گیرد.

دانیسوارا کی. هارجونو در سال ۲۰۲۱ در بررسی عنوان آرمان عدالت به عنوان واکنشی نظری به خلاءهای موجود در تنظیم اصل آزادی قراردادها در قراردادهای ساخت و ساز نفت و گاز در اندونزی دریافت که: این مقاله با هدف یافتن فرمول نظارتی ایده‌آل برای آزادی قرارداد منصفانه در قراردادهای ساخت و ساز نفت و گاز اندونزی انجام شده است. پدیده‌ای که از پویایی تنظیم آزادی قرارداد در قراردادهای ساخت و ساز نفت و گاز ظاهر می‌شود، نشان می‌دهد که عدالت به یک نقطه ثابت در مذاکرات قرارداد تبدیل نشده است و اگر منصفانه باشد، تعادل بین دو طرف مذاکره کننده قرارداد را نشان نداده است. حقایق تجربی در چندین مذاکره قراردادی به سابقه‌ای ناخوشایند در اجرای مقررات قراردادهای ساخت و ساز نفت و گاز تبدیل شده است. با استفاده از نظریه عدالت جان رالز و روش‌های تحقیق حقوقی هنجاری، موارد زیر یافت می‌شوند: اول، تنظیم ایده‌آل آزادی قرارداد با عدالت باید با اشاره به اصول تعادل و گشودگی، عدالت ماهوی را در اولویت قرار دهد. دوم، در یک ترتیب ایده‌آل آزادی قرارداد منصفانه، مداخله قدرت سیاسی باید حذف شود تا آزادی قرارداد در قراردادهای ساخت و ساز نفت و گاز باعث عدم تعادل در مفهوم عدالت مبتنی بر اصول برابری خواهی نشود. سوم، مقررات مربوط به آزادی قراردادهای منصفانه در قراردادهای ساخت و ساز نفت و گاز در اندونزی باید اخلاق مراقبت را که اساس جنبه‌های غیرحقوقی در دانش موقعیتی از مشکلات قراردادهای ساخت و ساز نفت و گاز در اندونزی است، در بر بگیرد. مجری کار همیشه عدم تعادل و بی‌عدالتی را تجربه خواهد کرد، حتی اگر مکانیسم خروج از قرارداد، مبلغ موقت، استانداردسازی نگهداری، توقف موقت و انطباق بین اسناد مناقصه و قراردادها، راه‌حل‌های نظارتی ایده‌آلی باشند. به طوری که سیاست‌های تسریع توسعه زیرساخت‌های نفت و گاز محدود شده و منجر به برآورده شدن کمتر از حد مطلوب نیازهای مردم به نفت و گاز شود.

جامیو اولوهونداره آدیایو در سال ۲۰۱۸ در بررسی عنوان قراردادهای نفت و گاز: تحلیل قانون در بافتار با استفاده از نیجریه به عنوان مطالعه دریافت که: چارچوب قانونی و نظارتی صنعت نفت و گاز و تعهدات قراردادی ناشی از آن، در طول زمان به اشکال مختلف در کشورهای تولیدکننده نفت تکامل یافته است. با توجه به ویژگی‌های هر یک از این کشورهای تولیدکننده نفت، این چارچوب دائماً در حال تغییر است. چهره متغیر سیاست، آب و هوا و فناوری به سرعت در حال توسعه، چشم‌انداز این صنعت را تغییر می‌دهد و نیاز اساسی را برای کشورهای دارای منابع نفتی ایجاد

می‌کند تا دیدگاهی استراتژیک اتخاذ کنند و انتخاب کنند که چه چارچوب قانونی و رویکردهای قراردادی احتمالاً به هدف نهایی آنها یعنی تولید بهینه با بالاترین سود مالی منجر می‌شود. ایده پشت اکتشاف و بهره‌برداری از منابع طبیعی، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی^۱ به کشورهای در حال توسعه است با این پیش‌بینی که چنین سرمایه‌گذاری آنها را در مرکز اقتصاد جهانی قرار دهد و منجر به بهبود در تحقیق و انتقال فناوری شود که رشد و توسعه اقتصادی را حفظ کند. با این حال، هدف شرکت‌های فراملی به حداکثر رساندن سود آنهاست. در نهایت، این قراردادهای صدور مجوز اکتشاف است که کشورها برای اجرای سیاست‌های اکتشاف و بهره‌برداری از نفت استفاده می‌کنند. بنابراین، تحقیق حاضر در پی بررسی پویایی چارچوب قانونی و نظارتی صنعت نفت و گاز با تمرکز بر انواع و ماهیت قراردادهای دائماً در حال تغییر آن است. این تحقیق تلاش می‌کند تا علل عدم تعادل در قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز را با توجه به این نکته بررسی کند که یکی از علل عدم تعادل، معاهدات سرمایه‌گذاری هستند، زیرا آنها بر تعهدات یک دولت تمرکز دارند و تمرکز کمی بر تعهدات شرکت‌های فراملی نسبت به دولت‌ها دارند یا اصلاً تمرکزی ندارند. برخی از بندهای مهم که باید توسط طرفین قرارداد در نظر گرفته شوند نیز بررسی شده‌اند، زیرا استدلال می‌شود که بندهای قراردادی نیز از جمله علل عدم تعادل در قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز هستند. بنابراین، این تحقیق با بررسی مشکلات مرتبط با معاهدات سرمایه‌گذاری و رابطه قراردادی بلندمدت بین کشورهای میزبان و شرکت‌های فراملی، به ویژه ریسک‌های مرتبط با قراردادهای نفت و گاز مانند ریسک‌های سیاسی، اقتصادی، طبیعی و فنی، به علل عدم تعادل می‌پردازد. اساساً، این مطالعه بر فرآیندها، نکات فنی، مطالعات موردی و ویژگی‌های چهار نوع اصلی قراردادهای نفت و گاز یعنی توافق‌نامه مشارکت در تولید، سرمایه‌گذاری مشترک، قراردادهای خدماتی و دو نوع امتیاز (قدیمی و جدید) متمرکز خواهد شد.

۶. روش پژوهش

روش تحقیق حاضر، توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای است. در این تحقیق، با گردآوری داده‌ها و اطلاعات از منابع معتبر داخلی و خارجی، شامل کتب، مقالات علمی، اسناد حقوقی، قوانین و قراردادهای نفتی، ابتدا مبانی نظری و مفاهیم پایه اصل حاکمیت اراده استخراج و بررسی شد. در مرحله اول، به شناسایی و تحلیل مفاهیم کلیدی مرتبط با حاکمیت اراده پرداخته می‌شود تا درک بهتری از این اصل در زمینه قراردادهای نفتی به دست آید. سپس با بهره‌گیری از روش تطبیقی، چالش‌ها و ابعاد اجرایی این اصل در نظام حقوقی ایران و سایر کشورها مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در این راستا، علاوه بر تحلیل حقوقی محتوای قراردادهای نمونه‌های عملی و مقایسه

^۱. FDI

توسعه تاریخی و ساختاری قراردادهای نفتی در ایران و کشورهایمانند فرانسه و آلمان بررسی می‌شود. این مقایسه به شناسایی عوامل مؤثر بر تحقق یا محدودیت اصل حاکمیت اراده کمک می‌کند و به‌ویژه بر روی چالش‌هایی که در زمینه قراردادهای نفتی در ایران وجود دارد، تمرکز خواهد شد. با تحلیل داده‌های به‌دست آمده، راهکارهای بهبود کارکرد اصل حاکمیت اراده در قراردادهای نفتی ارائه خواهد شد. این راهکارها می‌تواند شامل پیشنهادات قانونی، اصلاحات در رویه‌های اجرایی و همچنین ایجاد بسترهای مناسب برای تقویت حاکمیت اراده در قراردادهای نفتی باشد.

۷. اصل حاکمیت اراده در قراردادهای نفتی

۷-۱. مفهوم و جایگاه اصل حاکمیت اراده در حقوق قراردادها

اصل حاکمیت اراده^۱ به‌عنوان یکی از ارکان اساسی حقوق قراردادها، نشان‌دهنده آزادی و اختیار طرفین در تعیین شرایط و حدود تعهدات قراردادی است (درخشان، ۱۳۹۲). بر اساس این اصل، هر یک از متعاملین مجازند بدون اجبار و دخالت دولت یا اشخاص ثالث، درباره مفاد قرارداد، نوع تعهدات و راهکارهای حل اختلاف تصمیم‌گیری کنند (زارع، ۱۴۰۱). این رویکرد در نظام‌های حقوقی مختلف و به‌طور خاص، در کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی، به‌عنوان یک ارزش بنیادین مورد شناسایی واقع شده است (Ebrahimi & Aini, 2018). در فقه امامیه نیز گرچه اصل آزادی قراردادها صراحتاً تحت عنوان «حاکمیت اراده» مطرح نشده، اما قواعد حاکم بر معاملات هم‌چون لزوم، صحت قرارداد و قابلیت فسخ، این اصل را تأیید می‌کنند (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۵۷). در حقوق ایران ماده ۱۰ و ۲۱۹ قانون مدنی تجلی بارز این اصل است که مقرر می‌دارد: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است» (کاظمی نجف‌آبادی، ۱۳۹۶).

۷-۲. مبانی نظری حاکمیت اراده

مبانی نظری اصل حاکمیت اراده را غالباً می‌توان در مکاتب حقوقی اراده‌گرایی^۲ و رضایت‌گرایی^۳ جست‌وجو کرد:

1. Party Autonomy

2. Will Theory

3. Consent Theory

الف) نظریه اراده‌گرایی: بر این مبنا، قرارداد زاییده اراده آزاد و آگاهانه طرفین است و مبنای الزام‌آور بودن آن را باید در قصد و توافق واقعی جست‌وجو کرد. این دیدگاه مبتنی بر احترام به آزادی فردی و تسلط اشخاص بر منافع مال خود است (درخشان، ۱۳۹۲؛ جعفری‌لنگرودی، ۱۳۵۷).

ب) نظریه رضایت یا توافق: محور اساسی چنین نگرشی، توافق مشترک^۱ میان طرفین است. بر اساس این نظریه، مادامی که طرفین به توافق واقعی برسند، قرارداد از قدرت الزام‌آور حقوقی برخوردار خواهد بود (زارع، ۱۴۰۱).

در مکاتب نوین حقوق تطبیقی نیز، عقلانیت اقتصادی^۲ و ضرورت تنظیم‌پذیری قرارداد برای کاستن از بروز اختلافات و افزایش امنیت حقوقی مورد تأکید قرار گرفته است (آقایی، ۱۳۹۳).

۷-۳. حاکمیت اراده در قراردادهای نفتی: ویژگی‌ها و محدودیت‌ها

قراردادهای نفتی به سبب ماهیت پیچیده، ارزش اقتصادی بالا، حضور دولت‌ها و متغیرهای متعدد سیاسی، اغلب با محدودیت‌های قابل توجهی نسبت به اصل حاکمیت اراده مواجه‌اند (اخلاقی، ۱۳۹۳؛ نیکبخت و موسوی، ۱۳۹۵). مهم‌ترین زمینه‌های محدودیت و چالش عبارت‌اند از:

الف) حضور دولت‌ها به عنوان طرف قرارداد: اغلب دولت‌ها به دلیل حقوق حاکمیتی خود بر منابع طبیعی و امنیت انرژی، شروط خاص و نظارت‌های گسترده‌ای بر نحوه قراردادهای اعمال می‌کنند که می‌تواند دامنه آزادی اراده طرفین را کاهش دهد (دوست محمدی، ۱۳۹۵).

ب) الزامات اقتصادی و زیست‌محیطی: تعهدات حاصل از اسناد بین‌المللی، ملاحظات محیط زیستی و منافع ملی، شرایط و زمان اجرای قرارداد را محدود می‌سازند (موسوی، ۱۳۹۴).

ج) نابرابری قدرت مذاکره: شرکت‌های چندملیتی یا دولت میزبان، گاهاً توازن قوا را برهم زده و اصل انصاف و آزادی قرارداد را خدشه‌دار می‌نمایند (Ebrahimi & Aini, 2018).

۷-۴. جایگاه تطبیقی اصل حاکمیت اراده در نظام‌های حقوقی مختلف

مطابق تجربه در کشورهای توسعه‌یافته (فرانسه، آلمان، انگلستان)، اصل حاکمیت اراده در قراردادهای نفتی نیز رعایت می‌شود اما همواره در چارچوب موازین نظم عمومی و مصالح ملی قرار دارد (نیکبخت و موسوی، ۱۳۹۵):

¹. *consensus ad idem*

². *Economic Rationality*

در فرانسه و آلمان، قواعد الزام‌آور پیرامون محیط زیست، تثبیت قیمت و شروط قراردادی وجود داشته که طرفین مجبور به رعایت آنند (Kessedjian, 2019). در ایران، پایبندی به سیاست‌های کلان اقتصادی و ضوابط امنیت انرژی سبب شده اصل حاکمیت اراده در قراردادهای نفتی، با محدودیت و ملاحظات بیشتری همراه باشد (اخلاقی، ۱۳۹۳).

۵-۷. مقایسه تطبیقی و تحلیل نقش اصل حاکمیت اراده

اصل حاکمیت اراده یکی از اصول پایه‌ای و مهم در حقوق قراردادهای است که به افراد اجازه می‌دهد محتوای قراردادهای را براساس توافق طرفین تعیین کنند. این اصل نه تنها در حقوق داخلی بسیاری از کشورها اهمیت دارد، بلکه در حقوق بین‌المللی و قراردادهای تجاری نیز نقش مهمی ایفا می‌کند.

اصل حاکمیت اراده در نظام‌های حقوقی مختلف به عنوان یکی از اصول پایه‌ای و مهم شناخته شده و نقش اساسی در تنظیم قراردادهای ایفا می‌کند. در حقوق ایران، این اصل به معنای آزادی طرفین در تنظیم و تعیین مفاد قراردادهای تعریف می‌شود، مشروط بر اینکه با قوانین اجباری و نظم عمومی مغایرت نداشته باشد. طرفین قرارداد بر اساس توافق آزادانه می‌توانند شروط و الزامات مورد نظر خود را در قرارداد درج کنند. با این حال، برخی محدودیت‌ها برای اعمال این اصل در حقوق ایران وجود دارد؛ از جمله در قراردادهایی که منافع عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهند یا حقوق شخص ثالث را به خطر می‌اندازند، ممکن است محدودیت‌هایی اعمال شود. این محدودیت‌ها تضمین‌کننده رعایت اصول اخلاقی و حقوق جامعه هستند.

در حقوق فرانسه، اصل حاکمیت اراده به عنوان یکی از اصول مهم در قانون مدنی شناخته می‌شود. این اصل به طرفین اجازه می‌دهد که شرایط و مفاد قرارداد را بر اساس توافق مشترک تعیین کنند. قانون مدنی فرانسه به طرفین این آزادی را می‌دهد تا در حدود نظم عمومی و اخلاق حسنه، قراردادهایی منعقد کنند که منافع و اهداف آن‌ها را به بهترین نحو تأمین کند. با این حال، قراردادهایی که مغایر با این اصول باشند، معتبر نیستند. نقش اخلاق حسنه و نظم عمومی در محدود کردن اعمال این اصل در حقوق فرانسه، بر حفظ ارزش‌های اجتماعی و پیشگیری از سوءاستفاده‌ها تأکید دارد.

در حقوق انگلستان، که بر اساس نظام حقوق کامن‌لا عمل می‌کند، اصل حاکمیت اراده به عنوان یکی از اصول بنیادین شناخته شده و به طرفین اجازه می‌دهد که شرایط قرارداد را براساس توافق آزادانه خود تعیین کنند. این اصل در نظام حقوق انگلستان اهمیت زیادی دارد و به نوعی پایه‌ی نظام حقوق قراردادهای محسوب می‌شود. با این حال، در حقوق انگلستان نیز محدودیت‌هایی وجود دارد؛ به عنوان مثال، قراردادهایی که با قانون مغایرت دارند یا موجب ظلم و ناعدالتی شوند، قابل اجرا نیستند.

این سیستم حقوقی بیشتر بر عدالت و جلوگیری از ظلم در قراردادهای تمرکز دارد و به حفظ حقوق طرفین و رعایت انصاف در قراردادهای منعقد شده توجه ویژه‌ای دارد.

۶-۷. تحلیل تطبیقی

اصل حاکمیت اراده یکی از اصول بنیادین در نظام‌های حقوقی مختلف به شمار می‌رود و نقش محوری در تنظیم و اجرای قراردادهای ایفا می‌کند. این اصل در حقوق ایران، فرانسه و آلمان به‌عنوان یکی از پایه‌های اصلی شناخته می‌شود که به طرفین قرارداد اجازه می‌دهد مفاد و شرایط توافق خود را براساس توافق مشترک تعیین کنند. با این حال، هر یک از این نظام‌های حقوقی دارای ویژگی‌ها، محدودیت‌ها و استثنائات خاصی هستند که بر اعمال این اصل تأثیر می‌گذارد.

یکی از شباهت‌های اصلی در میان این نظام‌های حقوقی، اهمیت اصل حاکمیت اراده به‌عنوان یک مفهوم بنیادی است. این اصل به افراد امکان می‌دهد که محتوای قراردادهای خود را براساس نیازها و اهداف خود تنظیم کنند و از آزادی عمل در تصمیم‌گیری برخوردار باشند. علاوه بر این، هر سه نظام حقوقی محدودیت‌هایی برای اعمال این اصل در نظر گرفته‌اند که برای حفظ نظم عمومی، اخلاق حسنه و رعایت قوانین اجباری لازم هستند. این محدودیت‌ها تضمین‌کننده عدالت اجتماعی، حفظ ارزش‌های اخلاقی و جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی در قراردادهای هستند.

با این حال، تفاوت‌های قابل‌توجهی میان این نظام‌های حقوقی وجود دارد که ناشی از مبانی فلسفی، تاریخی و فرهنگی هر کشور است. در حقوق ایران، اصل حاکمیت اراده ریشه در فقه اسلامی دارد و به‌طور مستقیم با قوانین شریعت و ارزش‌های فرهنگی و مذهبی جامعه مرتبط است. این اصل در حقوق فرانسه و آلمان بیشتر تحت تأثیر فلسفه لیبرالیسم و فلسفه کانت قرار دارد که به آزادی فرد در تصمیم‌گیری و خودمختاری تأکید دارد. تفاوت در مبانی فلسفی منجر به اعمال و تفسیر متفاوت این اصل در هر یک از این نظام‌های حقوقی شده است.

در حقوق فرانسه، این اصل در دوران انقلاب فرانسه به‌عنوان یکی از اصول پایه‌ای قانون مدنی تدوین و تثبیت شد. فلسفه لیبرالیسم نقش مهمی در شکل‌گیری این اصل داشت و آن را به یکی از ارکان اصلی حقوق قراردادهای تبدیل کرد. در حقوق آلمان، اصل حاکمیت اراده به فلسفه کانت وابسته است که بر مفهوم آزادی و خودمختاری فردی تأکید دارد. این اصل در دوران تدوین قانون مدنی آلمان به‌عنوان یک اصل مهم تثبیت شد و نقش کلیدی در تنظیم قراردادهای ایفا کرد.

تفسیر و اعمال اصل حاکمیت اراده در هر کشور بسته به مبانی فرهنگی، تاریخی و فلسفی آن متفاوت است. در حقوق ایران، این اصل باید با قوانین شریعت و ارزش‌های اسلامی سازگار باشد. در حقوق فرانسه، اصل نظم عمومی و اخلاق حسنه به‌عنوان معیارهای محدودکننده به کار می‌رود، در

حالی که در حقوق آلمان، علاوه بر این معیارها، به اصول عدالت و رعایت حقوق شخص ثالث نیز توجه ویژه‌ای می‌شود. قوانین خاص هر کشور نیز تأثیرات متفاوتی بر این اصل دارند. برای مثال، عقود ازدواج و ارث در ایران، فرانسه و آلمان باید طبق قوانین خاصی تنظیم شوند که خارج از اختیار و اراده طرفین قرار دارند.

تحلیل و مقایسه نقش اصل حاکمیت اراده در نظام‌های حقوقی مختلف نشان‌دهنده شباهت‌ها و تفاوت‌های قابل توجهی است. این اصل در همه نظام‌های حقوقی به‌عنوان یکی از اصول بنیادین اهمیت دارد، اما نحوه اعمال و محدودیت‌های آن بسته به شرایط اجتماعی، فرهنگی و فلسفی هر کشور متفاوت است. این تفاوت‌ها نشان‌دهنده نیاز به مطالعه دقیق‌تر قوانین و مقررات هر کشور برای بهره‌برداری بهینه از این اصل در قراردادها هستند.

۷-۷. تحلیل تطبیقی چالش‌های حقوقی

اصل حاکمیت اراده به‌عنوان یکی از ارکان اصلی حقوق قراردادها در نظام‌های حقوقی مختلف مورد توجه قرار گرفته است. این اصل به طرفین قرارداد آزادی عمل می‌دهد تا مفاد و شرایط توافق خود را بر اساس نیازها و اهدافشان تعیین کنند. با این حال، بررسی تطبیقی این اصل در نظام‌های حقوقی مختلف از جمله ایران، فرانسه و آلمان نشان‌دهنده وجود شباهت‌ها و تفاوت‌های چشمگیر است که در نحوه اعمال و محدودیت‌های آن نمایان می‌شود.

یکی از شباهت‌های اصلی میان این نظام‌های حقوقی، تداخل اصل حاکمیت اراده با قوانین اجباری و نظم عمومی است. در تمامی این نظام‌ها، قوانینی وجود دارد که برای حفظ عدالت اجتماعی و انسجام جامعه وضع شده‌اند و از این رو، قراردادهایی که با این قوانین مغایرت داشته باشند، فاقد اعتبار حقوقی محسوب می‌شوند. قوانین اجباری نقش یک چارچوب اساسی را ایفا می‌کنند که طرفین قرارداد باید در چارچوب آن عمل کنند. برای مثال، در حقوق ایران و آلمان، قوانین کارگری، تأمین اجتماعی و حفاظت از محیط زیست به‌عنوان محدودیت‌هایی برای تنظیم قراردادها مطرح می‌شوند. در حقوق فرانسه نیز مقررات مشابهی وجود دارد که هدف آن‌ها حفاظت از منافع عمومی و جلوگیری از تضییع حقوق افراد است.

یکی دیگر از شباهت‌های قابل توجه، نقش اخلاق حسنه در محدود کردن آزادی طرفین در تنظیم قراردادها است. اخلاق حسنه به‌عنوان معیاری برای رعایت ارزش‌های اخلاقی و اصول اجتماعی، در تمامی این نظام‌های حقوقی نقش مهمی ایفا می‌کند. قراردادهایی که مغایر با اخلاق حسنه باشند، نمی‌توانند از حمایت قانون برخوردار شوند. به‌عنوان مثال، در حقوق فرانسه و آلمان، شروط قراردادی که منجر به رفتارهای غیرمنصفانه یا اعمال غیرقانونی شوند، به‌عنوان مغایر با

اخلاق حسنه تلقی شده و بی‌اعتبار شناخته می‌شوند. در حقوق ایران نیز، اخلاق حسنه به عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق قراردادها مطرح است و قراردادهای مغایر با این اصل، بی‌اعتبار خواهند بود.

تحلیل و بررسی تطبیقی اصل حاکمیت اراده نشان‌دهنده اهمیت این اصل در تمامی نظام‌های حقوقی است، اما تفاوت‌ها و محدودیت‌های موجود، نیاز به مطالعه دقیق و تدوین قوانین شفاف‌تر را بیش از پیش آشکار می‌کند. اصل حاکمیت اراده، ابزاری قدرتمند برای تنظیم قراردادها و تحقق عدالت قراردادی است، اما موفقیت آن بستگی به توازن میان آزادی عمل طرفین و رعایت اصول نظم عمومی، اخلاق حسنه و قوانین اجباری دارد.

۸. قراردادهای مشارکت در تولید

قراردادهای مشارکت در تولید^۱ یکی از مدل‌های پرکاربرد در صنعت نفت و گاز محسوب می‌شوند که به‌ویژه در کشورهایی مورد استفاده قرار می‌گیرند که دارای منابع طبیعی غنی هستند اما برای بهره‌برداری بهینه از این منابع به تکنولوژی پیشرفته و سرمایه‌گذاری خارجی نیاز دارند. این نوع قراردادها بر اساس اصول حاکمیت اراده و ایجاد همکاری میان دولت کشور میزبان یا شرکت ملی نفتی آن و شرکت‌های نفتی خارجی تنظیم می‌شوند. PSCها به دلیل ساختار متعادل و انعطاف‌پذیر خود، به دولت‌ها امکان می‌دهند تا کنترل نسبی بر منابع طبیعی خود داشته باشند و در عین حال از تخصص، تکنولوژی و سرمایه‌گذاری شرکت‌های بین‌المللی بهره‌مند شوند.

در ساختار قراردادهای مشارکت در تولید، معمولاً شرکت نفتی خارجی مسئولیت تأمین سرمایه اولیه موردنیاز برای مراحل اکتشاف، توسعه و تولید منابع نفتی را بر عهده دارد. در صورت موفقیت‌آمیز بودن عملیات اکتشاف، درآمد حاصل از تولید نفت به نسبتی مشخص میان دولت کشور میزبان و شرکت نفتی تقسیم می‌شود. این تقسیم‌بندی معمولاً شامل سهم دولت کشور میزبان، سهم هزینه‌های سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری و سهم سود شرکت نفتی خارجی است. دولت میزبان همچنین ممکن است سهمی از تولید نفت برای مصارف داخلی خود دریافت کند، که این سهم به‌عنوان «نفت سهمی»^۲ شناخته می‌شود.

یکی از ویژگی‌های برجسته قراردادهای مشارکت در تولید، انعطاف‌پذیری آن‌ها در مواجهه با تغییرات اقتصادی و نوسانات قیمت نفت در بازار جهانی است. در این مدل قراردادی، طرفین معمولاً توافق می‌کنند که نسبت تقسیم درآمد بر اساس شرایط بازار و هزینه‌های جاری تنظیم شود. این انعطاف‌پذیری باعث می‌شود که قراردادهای PSC بتوانند به خوبی با تغییرات اقتصادی سازگار شوند و ریسک‌های مالی را کاهش دهند. علاوه بر این، PSCها به دولت کشور میزبان این امکان را

^۱. PSC

^۲. Entitlement Oil

می‌دهند که بدون تحمل ریسک مالی یا فنی مرتبط با مراحل اکتشاف و تولید، از منابع نفتی خود بهره‌برداری کند.

۸-۱. تعریف و اصول قراردادهای مشارکت در تولید

قراردادهای مشارکت در تولید توافق‌نامه‌هایی هستند که میان دولت یا شرکت ملی نفتی کشور میزبان و یک یا چند شرکت نفتی خارجی تنظیم می‌شوند. این قراردادها بر پایه مشارکت میان طرفین در فرآیندهای اکتشاف، استخراج و تولید نفت و گاز بنا شده‌اند. در این نوع قراردادها، مالکیت نفت و گاز تا زمانی که به نقطه توافق‌شده‌ای نرسد، متعلق به دولت یا شرکت ملی نفتی باقی می‌ماند. تولیدات نفت و گاز پس از استخراج بر اساس درصد توافق‌شده میان دولت و شرکت‌های نفتی خارجی تقسیم می‌شود. این مدل قراردادی به دلیل ساختار شفاف و انعطاف‌پذیر خود، در بسیاری از کشورهای دارای منابع طبیعی غنی اما فاقد تکنولوژی پیشرفته، به کار گرفته می‌شود.

اصول اصلی قراردادهای *PSC* بر مالکیت دولتی، تقسیم تولید، بازپرداخت هزینه‌ها و اشتراک ریسک استوار است. مالکیت منابع طبیعی تا پیش از استخراج به‌طور کامل متعلق به دولت یا شرکت ملی نفتی کشور میزبان است. پس از شروع تولید، درآمد حاصل از تولید نفت و گاز بین دولت و شرکت‌های نفتی بر اساس نسبت‌های مشخص تقسیم می‌شود. شرکت‌های نفتی خارجی می‌توانند هزینه‌های مربوط به مراحل اکتشاف و تولید را از سهم تولید خود جبران کنند، که این امر انگیزه لازم برای سرمایه‌گذاری آن‌ها را افزایش می‌دهد. همچنین، ریسک‌های مرتبط با مراحل اکتشاف و تولید به صورت مشترک میان طرفین تقسیم می‌شود، که این مسئله به کاهش فشار مالی بر دولت میزبان کمک می‌کند.

ساختار *PSC*ها به سه مرحله اصلی تقسیم می‌شود. در مرحله اکتشاف، شرکت نفتی خارجی مسئولیت انجام مطالعات زمین‌شناسی، ژئوفیزیکی و حفاری اکتشافی برای یافتن مخازن نفت و گاز را بر عهده دارد. تمامی هزینه‌های این مرحله به عهده شرکت نفتی است و در صورت عدم موفقیت در کشف منابع، ریسک مالی این مرحله توسط شرکت نفتی تحمل می‌شود. در مرحله توسعه، تأسیسات و زیرساخت‌های لازم برای استخراج و تولید نفت و گاز ایجاد می‌شود. هزینه‌های این مرحله نیز به عهده شرکت نفتی است که می‌تواند بخشی از این هزینه‌ها را در مراحل بعدی از سهم تولید خود جبران کند. در مرحله تولید، فرآیند استخراج نفت و گاز به صورت تجاری آغاز می‌شود و تولیدات نفت و گاز بر اساس توافق‌نامه میان طرفین تقسیم می‌گردد.

۸-۲. نقش اصل حاکمیت اراده در قراردادهای PSC

اصل حاکمیت اراده در قراردادهای مشارکت در تولید، یکی از اصول بنیادین در حقوق قراردادهای است که به طرفین قرارداد آزادی تصمیم‌گیری در تعیین شرایط و مفاد قرارداد را می‌دهد. این اصل بر پایه ایجاد یک توافق متقابل و عادلانه میان دولت کشور میزبان یا شرکت ملی نفتی آن و شرکت‌های نفتی خارجی استوار است. هدف از این اصل، فراهم کردن امکان انعقاد قراردادهایی است که بتوانند به طور متوازن منافع طرفین را تأمین کنند و در عین حال از پیچیدگی‌ها و اختلافات حقوقی جلوگیری کنند.

در ساختار PSCها، مراحل مختلفی برای اجرای کامل قرارداد وجود دارد که هر یک از این مراحل نیازمند توجه ویژه به حاکمیت اراده طرفین است. مرحله اول، یعنی مرحله اکتشاف، یکی از مراحل حیاتی این قراردادها محسوب می‌شود. شرکت نفتی خارجی موظف است مطالعات زمین‌شناسی، ژئوفیزیکی و حفاری اکتشافی را به منظور شناسایی منابع نفت و گاز انجام دهد. در این مرحله، اصل حاکمیت اراده به شرکت نفتی اجازه می‌دهد تا روش‌ها و فناوری‌های مورد نظر خود را برای اکتشاف به کار گیرد. این آزادی عمل به شرکت نفتی امکان می‌دهد تا از دانش و تکنولوژی پیشرفته خود استفاده کرده و فرآیند اکتشاف را به صورت کارآمد و مؤثر انجام دهد.

مرحله دوم، مرحله توسعه، پس از کشف منابع نفت و گاز آغاز می‌شود. در این مرحله، زیرساخت‌ها و تجهیزات لازم برای استخراج و تولید نفت و گاز ایجاد می‌شود. اصل حاکمیت اراده در این مرحله نیز نقش کلیدی ایفا می‌کند، زیرا طرفین قرارداد باید در مورد نحوه توسعه منابع، هزینه‌های مرتبط با آن و زمان‌بندی مراحل توسعه به توافق برسند. این توافق‌نامه‌ها باید به گونه‌ای تنظیم شوند که نه تنها منافع اقتصادی و صنعتی را تأمین کنند، بلکه به مسائل زیست‌محیطی و اجتماعی نیز توجه داشته باشند.

در مرحله تولید، نفت و گاز استخراج شده و به صورت تجاری تولید می‌شود. این مرحله شامل تقسیم تولیدات نفت و گاز میان دولت و شرکت نفتی بر اساس درصدهای توافق شده است. اصل حاکمیت اراده در این مرحله به طرفین اجازه می‌دهد تا نحوه تقسیم تولیدات، روش‌های جبران هزینه‌ها و چگونگی مدیریت منابع را تعیین کنند. علاوه بر این، دولت کشور میزبان ممکن است بخشی از تولید نفت و گاز را برای مصارف داخلی خود دریافت کند، که این سهم به عنوان نفت سهمی شناخته می‌شود.

این سه مرحله اصلی، ساختار کلی قراردادهای مشارکت در تولید را تشکیل می‌دهند و نشان‌دهنده اهمیت حاکمیت اراده در تنظیم و اجرای این قراردادها هستند. این اصل به طرفین قرارداد اجازه می‌دهد تا بر اساس نیازها و اولویت‌های خود، شرایط توافق را طراحی کنند و فرآیندهای لازم برای اجرای قرارداد را به طور مؤثر مدیریت کنند.

۸-۳. نقش اصل حاکمیت اراده در تنظیم قراردادهای مشارکت در تولید

اصل حاکمیت اراده در قراردادهای مشارکت در تولید به‌عنوان یکی از ارکان اصلی حقوق قراردادهای، نقش تعیین‌کننده‌ای در تنظیم و اجرای این نوع قراردادها دارد. این اصل بر پایه آزادی و اختیار طرفین در تعیین مفاد و شرایط قرارداد، امکان انعقاد توافقات متناسب با نیازها و اهداف مختلف را فراهم می‌آورد. قراردادهای مشارکت در تولید به دولت‌ها و شرکت‌های نفتی اجازه می‌دهد که با تعامل مشترک، مراحل مختلفی چون اکتشاف، توسعه و تولید نفت و گاز را مدیریت کرده و به‌صورت عادلانه در منافع حاصل از این پروژه‌ها سهیم شوند.

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های حاکمیت اراده در *PSC* ها، تعیین شرایط قرارداد است. طرفین قرارداد بر اساس توافق مشترک می‌توانند مواردی از قبیل مدت زمان قرارداد، میزان تولید، نحوه جبران هزینه‌ها، روش‌های تقسیم تولید و سایر مفاد مرتبط را مشخص کنند. این آزادی عمل موجب می‌شود که هر قرارداد به‌طور دقیق برای رفع نیازهای خاص پروژه و طرفین تنظیم گردد. برای مثال، اگر یک کشور میزبان در مرحله‌ای به توسعه فناوری داخلی و انتقال دانش فنی نیاز داشته باشد، شرایط خاصی در قرارداد مربوط به مشارکت شرکت نفتی خارجی در انتقال فناوری و آموزش نیروی انسانی ملی تعیین می‌شود.

انعطاف‌پذیری یکی دیگر از ویژگی‌های برجسته *PSC* هاست که از اصل حاکمیت اراده سرچشمه می‌گیرد. این قراردادها به گونه‌ای تنظیم می‌شوند که توانایی انطباق با تغییرات بازار جهانی نفت، تکنولوژی‌های جدید و شرایط اقتصادی را داشته باشند. به‌عنوان نمونه، در صورت افزایش نوسانات قیمت نفت یا تغییر در هزینه‌های تولید، طرفین می‌توانند با توافق، شرایط مالی یا تقسیم‌بندی درآمدها را مجدداً تنظیم کنند. این انعطاف‌پذیری باعث شده است که قراردادهای *PSC* در برابر تحولات سریع بازار جهانی نفت و گاز مقاومت بیشتری داشته باشند و بتوانند به‌صورت مستمر سودآور باقی بمانند.

مدیریت ریسک در قراردادهای مشارکت در تولید نیز یکی از جنبه‌های کلیدی مرتبط با اصل حاکمیت اراده است. مراحل مختلف این قراردادها، از اکتشاف و توسعه گرفته تا تولید، معمولاً با مجموعه‌ای از ریسک‌های مالی، فنی و عملیاتی همراه هستند. اصل حاکمیت اراده به طرفین قرارداد امکان می‌دهد که با تعامل مشترک، نحوه تقسیم این ریسک‌ها را مشخص کنند. برای مثال، شرکت‌های نفتی خارجی ممکن است در مراحل اولیه اکتشاف، تمام هزینه‌ها و ریسک‌های مالی را متقبل شوند، اما در صورت موفقیت در کشف منابع، بخشی از این هزینه‌ها از سهم تولید جبران گردد. از سوی دیگر، دولت‌ها نیز می‌توانند با تعیین مقررات دقیق، ریسک‌های زیست‌محیطی یا اجتماعی مرتبط با پروژه‌های نفتی را مدیریت کنند.

قراردادهای مشارکت در تولید بر اساس اصول حاکمیت اراده و مشارکت عادلانه میان طرفین، توانسته‌اند به یکی از ابزارهای مؤثر در مدیریت منابع نفتی تبدیل شوند. این قراردادها با ایجاد تعادل میان منافع دولت کشور میزبان و شرکت‌های نفتی خارجی، امکان بهره‌برداری پایدار و مسئولانه از منابع طبیعی را فراهم می‌آورند. با این حال، موفقیت این نوع قراردادها مستلزم شفافیت در مفاد توافق‌نامه‌ها، تنظیمات دقیق حقوقی و توجه به مسائل زیست‌محیطی و اجتماعی است (Smith & Dzienkowski, 1989).

۸-۴. نقش اصل حاکمیت اراده در اجرای قراردادهای مشارکت در تولید

تحقق عدالت قراردادی از جمله اصلی‌ترین مزایای اصل حاکمیت اراده در قراردادهای مشارکت در تولید محسوب می‌شود. این اصل به طرفین قرارداد اجازه می‌دهد تا با آزادی عمل و توافق متقابل، شرایط و مفاد قرارداد را به نحوی تنظیم کنند که منافع هر دو طرف به طور عادلانه تامین شود. با این آزادی عمل، قراردادهای به‌گونه‌ای طراحی می‌شوند که حقوق و تعهدات هر یک از طرفین به صورت متوازن در نظر گرفته شود. در این روش، شرکت نفتی خارجی از امکان دسترسی به منابع نفتی کشور میزبان بهره‌مند می‌شود و در مقابل، دولت یا شرکت ملی نفتی کشور میزبان نیز قادر است از تجربیات، فناوری‌ها و سرمایه‌گذاری‌های شرکت نفتی بهره‌برداری کند. این توازن منافع، از بروز تعارضات احتمالی و منازعات حقوقی جلوگیری کرده و زمینه‌ای را برای همکاری طولانی‌مدت و پایدار فراهم می‌کند.

از سوی دیگر، اصل حاکمیت اراده در PSCها به افزایش انگیزه برای طرفین قرارداد کمک شایانی می‌کند. با توجه به ماهیت سرمایه‌بر و بلندمدت این نوع قراردادها، یکی از الزامات اساسی، ایجاد انگیزه‌های مناسب برای طرفین است تا به تعهدات خود پایبند باشند و در پروژه‌های نفت و گاز سرمایه‌گذاری کنند. آزادی عمل در تعیین شرایط قرارداد به طرفین این امکان را می‌دهد که با در نظر گرفتن مزایا و معایب هر مرحله از عملیات، به توافقاتی دست یابند که انگیزه‌های لازم را برای پیشبرد فعالیت‌ها فراهم کند. به عنوان مثال، شرکت‌های نفتی می‌توانند مطمئن باشند که هزینه‌های ابتدایی عملیات اکتشاف و توسعه از طریق سهم تولید جبران خواهد شد، و در عین حال دولت کشور میزبان می‌تواند مطمئن باشد که از سود حاصله، بخش قابل توجهی را دریافت خواهد کرد.

۹. ویژگی‌های کلیدی قراردادهای خدماتی

۱. مالکیت دولتی: دولت میزبان مالکیت کامل مخزن نفتی را حفظ می‌کند و تصمیمات کلیدی را اتخاذ می‌نماید.

۲. بازپرداخت هزینه‌ها: پیمانکار هزینه‌های عملیاتی و سرمایه‌ای خود را بر اساس توافقات قرارداد دریافت می‌کند.

۳. مدیریت و کنترل: دولت میزبان مدیریت و کنترل کلیه عملیات را بر عهده دارد و پیمانکار به عنوان ارائه‌دهنده خدمات عمل می‌کند.

۴. ریسک کمتر برای پیمانکار: به دلیل اینکه پیمانکار تنها خدمات ارائه می‌دهد و مالکیت نفت را بر عهده ندارد، ریسک کمتری نسبت به قراردادهای مشارکت در تولید دارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۵۷).

قراردادهای خدماتی یکی از ابزارهای مهم در توسعه و بهره‌برداری از منابع نفتی کشورها محسوب می‌شوند. این نوع قراردادها به دولت‌های میزبان امکان می‌دهند که بدون از دست دادن مالکیت بر منابع طبیعی، از تجربه، تخصص و خدمات شرکت‌های نفتی بین‌المللی بهره‌مند شوند. به طور معمول، در قراردادهای خدماتی دولت یا شرکت ملی نفت کشور میزبان^۱ مالکیت کامل مخزن نفتی را حفظ می‌کند، در حالی که شرکت نفتی بین‌المللی وظایفی مشخص مانند توسعه، بهره‌برداری و تولید از مخزن را بر عهده دارد. این شرکت‌ها در ازای ارائه خدمات خود، هزینه‌های عملیاتی و سرمایه‌ای را دریافت می‌کنند، که این امر تضمین‌کننده بازپرداخت هزینه‌ها و کاهش ریسک مالی برای پیمانکار است.

از جمله مزایای برجسته قراردادهای خدماتی می‌توان به کنترل کامل دولت میزبان بر مخزن نفتی و تصمیمات مرتبط با آن اشاره کرد. این کنترل به دولت اجازه می‌دهد که استراتژی‌های خود را برای مدیریت منابع طبیعی اعمال کند و سیاست‌های مرتبط با استخراج، حفاظت از محیط‌زیست و بهره‌برداری بهینه از منابع را اجرا کند. همچنین، شرکت‌های پیمانکار تنها به ارائه خدمات محدود می‌شوند و نیازی به تحمل ریسک مالکیت نفت ندارند. این امر باعث کاهش ریسک مالی برای شرکت‌های نفتی می‌شود و آن‌ها را تشویق به همکاری می‌کند. علاوه بر این، بازپرداخت هزینه‌ها بر اساس توافقات قراردادی یکی دیگر از مزایای مهم این مدل قراردادی است که انگیزه سرمایه‌گذاری و ارائه خدمات توسط پیمانکاران را افزایش می‌دهد.

با این حال، قراردادهای خدماتی با چالش‌ها و محدودیت‌هایی نیز همراه هستند که باید به آن‌ها توجه ویژه داشت. یکی از معایب اصلی این نوع قراردادها، پیچیدگی زیاد حقوقی و مالی آن‌هاست. تنظیم این قراردادها نیازمند مذاکرات طولانی و بررسی‌های دقیق است تا تمامی جزئیات مرتبط با هزینه‌ها، شرایط اجرایی، نحوه نظارت و مدیریت پروژه‌ها به طور واضح و شفاف مشخص شود. نبود شفافیت در مفاد قرارداد می‌تواند موجب اختلافات میان طرفین و کاهش اعتماد شود. وابستگی پیمانکاران به دولت میزبان نیز از جمله محدودیت‌های این نوع قراردادها محسوب می‌شود، زیرا

^۱. NOC

هرگونه تصمیم‌گیری یا تغییر سیاست‌های دولت میزبان می‌تواند بر عملکرد و سودآوری پیمانکار تأثیر بگذارد.

۱۰. قراردادهای بیع متقابل

قرارداد بیع متقابل به قراردادی گفته می‌شود که بر اساس آن شرکت بین‌المللی نفت به عنوان پیمانکار مسئولیت انجام عملیات توسعه و بهره‌برداری از میدان نفتی یا گازی را بر عهده می‌گیرد و تمامی هزینه‌های مربوط به این عملیات را تأمین می‌کند. در مقابل، پس از اتمام عملیات و شروع تولید، دولت میزبان یا شرکت ملی نفت موظف به بازپرداخت هزینه‌ها و پرداخت سود مشخصی به پیمانکار است. در این نوع قرارداد، مالکیت منابع نفتی و گازی همچنان در اختیار دولت میزبان باقی می‌ماند (Cameron, 1999).

۱-۱۰. ویژگی‌های کلیدی قراردادهای بیع متقابل

۱. حفظ مالکیت دولتی: مالکیت کامل میدانی نفتی و گازی در اختیار دولت میزبان باقی می‌ماند و پیمانکار تنها مجاز به انجام عملیات توسعه و بهره‌برداری است.
۲. تأمین مالی توسط پیمانکار: شرکت بین‌المللی نفت تمامی هزینه‌های مربوط به عملیات توسعه و بهره‌برداری را تأمین می‌کند.
۳. بازپرداخت هزینه‌ها و سود: پس از شروع تولید، دولت میزبان موظف به بازپرداخت هزینه‌ها و پرداخت سود مشخصی به پیمانکار است.
۴. زمانبندی مشخص: این قراردادها معمولاً دارای زمانبندی مشخصی برای تکمیل عملیات و شروع تولید هستند.
۵. ریسک و بازگشت سرمایه: پیمانکار با توجه به شرایط و ریسک‌های موجود، هزینه‌ها را تأمین می‌کند و بازگشت سرمایه و سود خود را از درآمدهای تولید دریافت می‌کند (Starck & Boyer, 1974).

۱۰-۲. انواع قراردادهای بیع متقابل

قراردادهای بیع متقابل به عنوان یکی از مدل‌های قراردادی در حوزه نفت و گاز، از جمله ابزارهای رایج برای توسعه و بهره‌برداری از منابع طبیعی محسوب می‌شوند. این قراردادها برای کشورهایی که به دنبال حفظ مالکیت و کنترل کامل بر منابع خود هستند اما نیاز به تأمین مالی و

تکنولوژی‌های پیشرفته برای بهره‌برداری از این منابع دارند، بسیار مفید هستند. در این نوع قراردادهای پیمانکار که معمولاً یک شرکت نفتی بین‌المللی است، هزینه‌های توسعه و بهره‌برداری را تأمین می‌کند و در مقابل، هزینه‌ها و سود خود را بر اساس مفاد قرارداد و از طریق درآمدهای تولید نفت یا گاز بازپس می‌گیرد. قراردادهای بیع متقابل معمولاً به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند: قرارداد بیع متقابل مستقیم که در این مدل، پیمانکار تمامی هزینه‌های توسعه و بهره‌برداری را پرداخت می‌کند و دولت میزبان یا شرکت ملی نفت، مستقیماً از طریق درآمدهای تولید نفت یا گاز، بازپرداخت هزینه‌ها و سود پیمانکار را انجام می‌دهد و قرارداد بیع متقابل غیرمستقیم که بازپرداخت هزینه‌ها و سود پیمانکار از طریق فروش محصولات نفتی یا گازی انجام می‌شود.

معایب قراردادهای بیع متقابل شامل پیچیدگی قراردادی است. این نوع قراردادها به دلیل نیاز به تنظیم دقیق شرایط و جزئیات حقوقی، مالی و فنی، ممکن است بسیار پیچیده باشند و تنظیم این قراردادها نیازمند زمان و تخصص بالاست. همچنین ریسک‌های عملیاتی و مالی که پیمانکار به دلیل تأمین مالی و انجام عملیات با ریسک‌های مختلفی مواجه است و در صورت عدم موفقیت در پروژه یا وقوع مشکلات غیرمنتظره، پیمانکار ممکن است خسارات مالی جدی متحمل شود. وابستگی به درآمدهای تولید نفت و گاز نیز یکی دیگر از چالش‌های مهم است، چرا که این وابستگی ممکن است به دلیل نوسانات بازار جهانی نفت و گاز برنامه‌ریزی‌های مالی را برای هر دو طرف دشوار کند. این قراردادها به دولت‌های میزبان اجازه می‌دهند که مالکیت و کنترل منابع طبیعی خود را حفظ کنند، در حالی که از تجربه و تخصص شرکت‌های نفتی بین‌المللی بهره‌برداری می‌کنند. همچنین این مدل قراردادی می‌تواند به مدیریت بهتر ریسک‌ها، جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و بهره‌برداری پایدار از منابع نفتی کمک کند (Cameron, 1999).

۱۰-۳. نمونه‌های عملی قراردادهای بیع متقابل

قراردادهای بیع متقابل در بسیاری از کشورهای نفت‌خیز جهان مورد استفاده قرار گرفته‌اند. برای مثال، در ایران، قراردادهای بیع متقابل به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین روش‌های جذب سرمایه‌گذاری خارجی در بخش نفت و گاز مورد استفاده قرار گرفته‌اند. نمونه‌هایی از این قراردادها شامل پروژه‌های توسعه میدان‌های نفتی آزادگان، یادآوران، و فازهای مختلف میدان گازی پارس جنوبی است.

قراردادهای بیع متقابل به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم در توسعه و بهره‌برداری از میادین نفتی و گازی نقش بسزایی دارند. این قراردادها به دولت‌های میزبان امکان می‌دهند که مالکیت و کنترل کامل بر منابع طبیعی خود را حفظ کنند و در عین حال از تخصص و سرمایه‌گذاری شرکت‌های بین‌المللی نفت بهره‌برداری کنند. با این حال، پیچیدگی‌های اجرایی و قراردادی این نوع قراردادها نیازمند توجه دقیق و بررسی‌های حقوقی و اقتصادی جامع است.

۱۰-۴. مزایا و چالش‌های اصل حاکمیت اراده در قراردادهای بیع متقابل

اصل حاکمیت اراده به عنوان یکی از اصول کلیدی حقوق قراردادهای، امکان انعقاد توافقات متناسب با منافع و نیازهای طرفین را فراهم می‌کند. یکی از مزایای اصلی این اصل، انعطاف‌پذیری در تنظیم شرایط قرارداد است. طرفین با بهره‌گیری از این آزادی می‌توانند مفاد و مقررات قرارداد را مطابق با اهداف اقتصادی، فنی و عملیاتی خود تنظیم کنند. این انعطاف‌پذیری به خصوص در مواجهه با تغییرات غیرمنتظره، مانند نوسانات قیمت نفت یا تغییرات فناوری، بسیار ارزشمند است و به طرفین اجازه می‌دهد شرایط قرارداد را به صورت پویا و قابل تعدیل طراحی کنند. همچنین، اصل حاکمیت اراده به طرفین این امکان را می‌دهد که منافع متقابل خود را در قرارداد لحاظ کنند و به توافقات برد-برد دست یابند. این ویژگی باعث می‌شود قراردادهای به گونه‌ای تنظیم شوند که نیازهای هر دو طرف تأمین شود و زمینه‌ای برای همکاری پایدار و موفق فراهم شود.

از دیگر مزایای این اصل، امکان تعیین دقیق شرایط فنی، مالی و عملیاتی است. طرفین می‌توانند تمامی جزئیات مرتبط با پروژه را به صورت واضح و شفاف مشخص کنند. برای مثال، در قراردادهای بیع متقابل، مشخصات فنی تجهیزات مورد استفاده، مراحل اجرایی پروژه، روش‌های بازپرداخت هزینه‌ها و معیارهای نظارتی به طور دقیق تعریف می‌شوند. این شفافیت نه تنها از بروز اختلافات جلوگیری می‌کند، بلکه اعتماد میان طرفین قرارداد را نیز افزایش می‌دهد.

با وجود این مزایا، استفاده از اصل حاکمیت اراده در قراردادهای بیع متقابل با چالش‌هایی نیز همراه است. یکی از این چالش‌ها، پیچیدگی قراردادی است. تنظیم قراردادهای بیع متقابل به دلیل جزئیات فراوان و نیاز به توافقات دقیق ممکن است زمان‌بر و دشوار باشد. طرفین باید بر سر تمامی مفاد قرارداد به توافق برسند و این فرآیند نیازمند مذاکرات طولانی و تخصص بالاست. همچنین، نیاز به تخصص حقوقی و فنی از دیگر چالش‌های این نوع قراردادهاست. طرفین باید از مشاوران حقوقی و فنی ماهر استفاده کنند تا تمامی جنبه‌های قرارداد به درستی تنظیم شود و از مشکلات احتمالی در آینده جلوگیری شود.

نمونه‌های عملی استفاده از اصل حاکمیت اراده در قراردادهای بیع متقابل نشان‌دهنده اهمیت و کاربرد گسترده این اصل در تنظیم توافقات موفق هستند. برای مثال، در قراردادهای بیع متقابل ایران، طرفین از این اصل برای تنظیم شرایط مالی، تعیین نقش‌ها و مسئولیت‌ها و تدوین سازوکارهای حل و مقاله اختلافات بهره‌برده‌اند. این قراردادها با در نظر گرفتن نیازها و اولویت‌های دولت ایران و شرکت‌های نفتی خارجی، توانسته‌اند زمینه همکاری مؤثر و بهره‌برداری پایدار از منابع نفتی را فراهم کنند. اصل حاکمیت اراده به طرفین اجازه داده است تا شرایط قرارداد را بر اساس اهداف مشترک تنظیم کنند و به نتایج مطلوب دست یابند.

اصل حاکمیت اراده در قراردادهای بیع متقابل ابزاری قدرتمند برای تحقق عدالت قراردادی، مدیریت منابع و تضمین منافع متقابل طرفین محسوب می‌شود. با این حال، موفقیت این قراردادها به توانایی طرفین در رعایت شفافیت، تنظیم دقیق مفاد قرارداد و تعامل سازنده میان دولت‌ها و شرکت‌های نفتی وابسته است.

۱۰-۵. نقش اصل حاکمیت اراده در قراردادهای BC

نقش اصل حاکمیت اراده^۱ در قراردادهای بیع متقابل بسیار حائز اهمیت است، زیرا این اصل به طرفین قرارداد اجازه می‌دهد شرایط و مقررات را بر اساس توافقات متقابل و بدون دخالت عوامل خارجی تعیین کنند. در ادامه به نقش و تأثیر این اصل در قراردادهای بیع متقابل پرداخته می‌شود:

اصل حاکمیت اراده یکی از اصول بنیادین حقوق قراردادها است که به طرفین اجازه می‌دهد شرایط و مقررات قرارداد را به طور مستقل تعیین کنند. این اصل بر اساس احترام به تصمیمات طرفین و توجه به منافع متقابل آنها شکل گرفته است (Lowe, 2012).

۱۱. قراردادهای نفتی در ایران

قراردادهای نفتی در ایران دارای تاریخچه‌ای غنی و پیچیده هستند که تأثیر زیادی بر اقتصاد و سیاست کشور داشته‌اند. این قراردادها به مرور زمان تغییرات زیادی را تجربه کرده‌اند و انواع مختلفی از آنها در تاریخچه صنعت نفت ایران قابل شناسایی هستند.

۱-۱۱. تاریخچه قراردادهای نفتی

صنعت نفت ایران با کشف اولین میدان نفتی در مسجدسلیمان در سال ۱۹۰۸ آغاز شد. این کشف باعث شد که اولین قراردادهای نفتی بین ایران و شرکت‌های خارجی منعقد شود. قرارداد داریسی یکی از معروف‌ترین این قراردادها بود که در سال ۱۹۰۱ بین ویلیام ناکس داریسی و دولت ایران امضا شد. این قرارداد به شرکت داریسی حق انحصاری استخراج نفت در بخش‌های وسیعی از ایران را اعطا کرد (Smith & Dzienkowski, 1989).

^۱. Principle of Autonomy of Will

با گذشت زمان و تغییرات سیاسی و اقتصادی در کشور، نوع و شرایط قراردادهای نفتی نیز تغییر یافت. پس از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹، بسیاری از قراردادهای نفتی بازنگری شدند و سیاست‌های جدیدی برای مدیریت منابع نفتی کشور اتخاذ شد.

۱۱-۲. انواع قراردادهای نفتی

در ایران، قراردادهای نفتی به چندین نوع مختلف تقسیم می‌شوند که هر یک ویژگی‌ها و شرایط خاص خود را دارند:

۱. قراردادهای امتیازی: این نوع قراردادها در اوایل تاریخ صنعت نفت ایران رایج بودند. در این قراردادها، شرکت‌های خارجی حق انحصاری استخراج و فروش نفت را در ازای پرداخت حق امتیاز به دولت ایران داشتند. قرارداد داری یکی از نمونه‌های بارز این نوع قراردادها بود.

۲. قراردادهای مشارکت در تولید: این نوع قراردادها در دهه‌های اخیر رایج‌تر شده‌اند. در این قراردادها، شرکت‌های نفتی خارجی و شرکت ملی نفت ایران^۱ به صورت مشترک در استخراج و تولید نفت مشارکت می‌کنند. درآمد حاصل از فروش نفت به نسبت مشخصی بین شرکت‌ها تقسیم می‌شود.

۳. قراردادهای بازخرید: این نوع قراردادها برای توسعه میادین نفتی جدید یا بازسازی میادین قدیمی استفاده می‌شوند. شرکت‌های خارجی سرمایه‌گذاری اولیه را انجام می‌دهند و پس از توسعه میدان، سرمایه خود را به همراه سود معینی از محل فروش نفت بازپس می‌گیرند.

۴. قراردادهای خدماتی: در این نوع قراردادها، شرکت‌های خارجی خدمات تخصصی خود را برای توسعه و بهره‌برداری از میادین نفتی ارائه می‌دهند و در ازای آن دستمزد مشخصی دریافت می‌کنند. این نوع قراردادها بیشتر در میادینی که توسعه یافته هستند و نیاز به بهبود فناوری و بهره‌وری دارند استفاده می‌شوند (Wälde, 1996).

۱۱-۳. بررسی و تحلیل قراردادهای نفتی در ایران

قراردادهای نفتی در ایران بسیار مهم و پیچیده هستند و می‌تواند به عنوان یکی از اصلی‌ترین منابع درآمد کشور شناخته شود. این قراردادها معمولاً شامل موارد زیر هستند:

^۱. NIOC

۱. مناقشات قراردادی: ایران با کشورهای مختلف قراردادهای نفتی بسته است که معمولاً شامل توزیع درآمد نفتی، مسئولیت‌های ساخت و نگهداری، و مشارکت‌های مشترک در پروژه‌های نفتی است.

۲. قراردادهای مشترک: ایران با شرکت‌های نفتی بین‌المللی قراردادهای مشترک بسته است که معمولاً شامل مشارکت در پروژه‌های نفتی، توزیع درآمد، و انتقال تکنولوژی است.

۳. قراردادهای ملی: ایران دارای قراردادهای ملی نفتی است که شامل مسئولیت‌های مشترک، توزیع درآمد، و مشارکت در پروژه‌های نفتی در داخل کشور است (Wälde, 1996).

۴. قراردادهای بین‌المللی: ایران در طول سال‌های مختلف قراردادهای بین‌المللی نفتی با کشورهای مختلف امضا کرده است که معمولاً شامل توزیع درآمد، مشارکت در پروژه‌های نفتی، و انتقال تکنولوژی است.

این قراردادها می‌توانند تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار بگیرند، از جمله تغییرات سیاسی، اقتصادی، و تکنولوژیکی. همچنین، قراردادهای نفتی می‌توانند به عنوان ابزاری برای تحقیق و تحلیل موضوعات مرتبط با نفت و اقتصاد کشور استفاده شوند.

۱۲. حقوق فرانسه

در حقوق فرانسه، اصل حاکمیت اراده به عنوان یکی از اصول پایه‌ای قانون مدنی شناخته می‌شود که به طرفین قرارداد اجازه می‌دهد شرایط و مفاد توافق خود را بر اساس توافق مشترک تعیین کنند. این اصل بر آزادی عمل طرفین تأکید دارد و از آن‌ها می‌خواهد که با رعایت قوانین و مقررات موجود، به توافقاتی دست یابند که منافع و اهداف آن‌ها را به بهترین نحو تأمین کند. این اصل نه تنها پایه‌ی تنظیم قراردادها است بلکه به عنوان یکی از اصول مهم در نظام حقوقی فرانسه به شمار می‌آید.

مبانی فلسفی و تاریخی اصل حاکمیت اراده در فرانسه نشان‌دهنده ریشه‌های عمیق این اصل در فلسفه لیبرالیسم است. لیبرالیسم به عنوان یک جنبش فلسفی و اجتماعی، بر آزادی فرد در تصمیم‌گیری و تعیین شرایط زندگی تأکید دارد. این فلسفه نقش مهمی در شکل‌گیری اصل حاکمیت اراده و تأثیرگذاری آن بر قوانین مدنی فرانسه داشته است. در دوران انقلاب فرانسه، این اصل به عنوان یکی از اصول بنیادی حقوق مدنی تدوین و تثبیت شد و از آن زمان تاکنون جایگاه مهمی در نظام حقوقی فرانسه داشته است. البته تفسیر و اعمال این اصل در طول تاریخ دستخوش تغییراتی شده است تا با شرایط اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی جامعه هماهنگ شود.

قوانین خاص و اجباری نیز به‌عنوان یکی دیگر از محدودیت‌های اصل حاکمیت اراده در حقوق فرانسه مطرح هستند. به‌عنوان مثال، عقود ازدواج و ارث باید مطابق با قوانین خاصی تنظیم شوند که خارج از آزادی عمل طرفین قرار دارند. این مقررات اجباری تضمین‌کننده رعایت عدالت اجتماعی و حفظ حقوق شخص ثالث هستند. در قراردادهای مصرفی نیز محدودیت‌هایی اعمال می‌شود تا حقوق مصرف‌کنندگان حفظ شود. در این نوع قراردادهای، قوانین و مقررات ویژه‌ای وجود دارد که طرفین قرارداد را ملزم به رعایت شرایط خاصی می‌کنند، از جمله شفافیت در اطلاعات ارائه شده، کیفیت محصولات و خدمات، و عدم بهره‌برداری غیرمنصفانه. تحلیل و بررسی اصل حاکمیت اراده در حقوق فرانسه نشان‌دهنده اهمیت این اصل در تنظیم قراردادهای و حفظ حقوق طرفین است. این اصل، ابزار قدرتمندی برای تضمین آزادی عمل و عدالت قراردادی محسوب می‌شود. با این حال، محدودیت‌های اعمال شده بر این اصل بیانگر تعهد نظام حقوقی فرانسه به حفظ ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی و جلوگیری از تضييع حقوق دیگران است. این رویکرد تطبیقی میان آزادی عمل و محدودیت‌های قانونی باعث شده است که اصل حاکمیت اراده همچنان جایگاه برجسته‌ای در نظام حقوقی فرانسه داشته باشد (Hassan & Amuda & Dhali & Mehar, 2023).

در حقوق فرانسه، اصل حاکمیت اراده به‌عنوان یکی از اصول بنیادین در حقوق قراردادهای شناخته می‌شود که به طرفین این آزادی را می‌دهد تا شرایط و مفاد قراردادهای خود را بر اساس توافق مشترک تعیین کنند. با این حال، تداخل این اصل با مفاهیم نظم عمومی و اخلاق حسنه یکی از چالش‌های اساسی در نظام حقوقی فرانسه است. قراردادهایی که با نظم عمومی یا اخلاق حسنه مغایرت داشته باشند، فاقد اعتبار قانونی هستند و ممکن است باطل اعلام شوند. نظم عمومی به‌عنوان یک مفهوم جامع، اصولی را تعریف می‌کند که برای حفظ امنیت، عدالت اجتماعی، و انسجام جامعه ضروری هستند. اخلاق حسنه نیز به رعایت ارزش‌ها و اصول اخلاقی جامعه اشاره دارد. بنابراین، قراردادهایی که حاوی شروط غیرقانونی یا غیراخلاقی باشند، از نظر حقوقی فاقد اعتبار محسوب می‌شوند. به‌عنوان مثال، قراردادی که به ارتکاب اعمال غیرقانونی یا مغایر با اخلاق اجتماعی متعهد باشد، تحت قوانین فرانسه بی‌اعتبار است.

علاوه بر این، قوانین حمایت از مصرف‌کننده یکی دیگر از محدودیت‌هایی است که بر اصل حاکمیت اراده در حقوق فرانسه تأثیر می‌گذارد. این قوانین برای جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی و تضمین حقوق مصرف‌کنندگان تصویب شده‌اند. در قراردادهای فروش کالاها و خدمات، حقوق مصرف‌کنندگان به‌عنوان یک اصل حاکم در نظر گرفته می‌شود و محدودیت‌هایی بر آزادی طرفین در تنظیم قرارداد اعمال می‌کند. برای مثال، قوانین فرانسه شرکت‌ها را موظف می‌کنند که اطلاعات شفاف و دقیقی در مورد محصولات یا خدمات ارائه دهند. همچنین، شرکت‌ها ملزم به ارائه ضمانت‌نامه‌های مشخصی برای محصولات خود هستند و نمی‌توانند شروط غیرمنصفانه یا

گمراه‌کننده‌ای را در قراردادها قرار دهند. این مقررات باعث می‌شود که مصرف‌کنندگان از حقوق خود آگاه باشند و از بهره‌برداری ناعادلانه جلوگیری شود.

۱۳. حقوق آلمان

اصل حاکمیت اراده یکی از اصول بنیادین در قانون مدنی آلمان^۱ است که به طرفین قرارداد آزادی لازم را می‌دهد تا شرایط و مفاد توافق خود را بر اساس توافق مشترک تعیین کنند. این اصل نقش اساسی در سیستم حقوقی آلمان ایفا می‌کند و به طرفین اجازه می‌دهد با رعایت مقررات موجود، توافقاتی منعقد کنند که منافع و اهداف آن‌ها را به بهترین نحو تأمین کند. آزادی عمل در تنظیم شرایط قرارداد از ویژگی‌های مهم این اصل است که باعث تقویت انعطاف‌پذیری و تحقق عدالت قراردادی می‌شود.

با این حال، اعمال اصل حاکمیت اراده در حقوق آلمان نیز محدودیت‌ها و استثنائاتی دارد. یکی از مهم‌ترین این محدودیت‌ها نظم عمومی و اخلاق حسنه^۲ است. قراردادهایی که با نظم عمومی یا اخلاق حسنه مغایرت داشته باشند، معتبر شناخته نمی‌شوند. نظم عمومی تضمین‌کننده اصولی است که برای حفظ عدالت اجتماعی و انسجام جامعه ضروری هستند و اخلاق حسنه نیز معیاری برای رعایت ارزش‌های اخلاقی جامعه محسوب می‌شود. این محدودیت‌ها به منظور جلوگیری از سوءاستفاده‌ها و حفظ حقوق جامعه وضع شده‌اند.

قوانین خاص و اجباری نیز یکی دیگر از محدودیت‌های اعمال اصل حاکمیت اراده در حقوق آلمان هستند. به عنوان مثال، عقود ازدواج و ارث باید بر اساس قوانین خاصی تنظیم شوند که خارج از آزادی عمل طرفین قرار دارند. این قوانین تضمین‌کننده رعایت اصول عدالت اجتماعی و حفظ حقوق شخص ثالث هستند. علاوه بر این، در قراردادهای مصرفی نیز محدودیت‌هایی برای حفظ حقوق مصرف‌کننده وجود دارد. این محدودیت‌ها شامل الزام به ارائه اطلاعات شفاف به مصرف‌کنندگان، رعایت کیفیت محصولات و خدمات، و جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی است.

اصل حاکمیت اراده در حقوق آلمان به افراد اجازه می‌دهد که مفاد قراردادهای خود را بر اساس نیازها و توافقات متقابل تنظیم کنند، اما این آزادی باید در چارچوب قوانین و ارزش‌های حقوقی و اخلاقی جامعه اعمال شود. این اصل، ابزاری مؤثر برای تنظیم قراردادها و تضمین عدالت قراردادی است، در حالی که از سوءاستفاده‌ها و نقض حقوق دیگران جلوگیری می‌کند. مقایسه این اصل با نظام‌های حقوقی دیگر نشان‌دهنده شباهت‌ها و تفاوت‌هایی است که ناشی از ویژگی‌های فرهنگی، تاریخی و فلسفی هر کشور است (Smith & Dzienkowski, 1989).

¹. Bürgerliches Gesetzbuch

². Gute Sitten

در حقوق آلمان، اصل حاکمیت اراده یکی از اصول اساسی در قانون مدنی آلمان محسوب می‌شود که به طرفین قرارداد اجازه می‌دهد شرایط و مفاد توافق خود را بر اساس اراده مشترک تعیین کنند. با این حال، این اصل در چارچوب قوانین و مقررات خاصی اعمال می‌شود که نظم عمومی، عدالت و رعایت ارزش‌های اجتماعی را تضمین می‌کند. یکی از چالش‌های اساسی در اجرای این اصل، تداخل آن با قوانین خاص و اجباری و نیز مفاهیم اخلاق حسنه است. قوانین اجباری و نظم عمومی به عنوان چارچوب‌هایی ضروری، قواعد و محدودیت‌هایی را برای تنظیم قراردادها تعیین می‌کنند که مغایرت با آنها ممکن است باعث بی‌اعتباری قرارداد شود. این قوانین شامل موضوعاتی نظیر حقوق کارگران، حفاظت از محیط زیست، و رعایت الزامات اجتماعی است. برای مثال، قوانین مربوط به حداقل دستمزد، ساعات کاری، و تأمین ایمنی شغلی از جمله قوانینی هستند که در قراردادهای کار باید به طور کامل رعایت شوند. هرگونه توافقی که این الزامات را نقض کند، باطل است و هیچ اثری قانونی نخواهد داشت.

علاوه بر این، قوانین مربوط به حفاظت از محیط زیست نیز به عنوان محدودیتی برای اعمال اصل حاکمیت اراده مطرح می‌شوند. طرفین نمی‌توانند توافقی را منعقد کنند که اصول حفاظت از محیط زیست را نقض کند یا به تخریب منابع طبیعی منجر شود. برای مثال، هرگونه قراردادی که شامل فعالیت‌های صنعتی مضر برای محیط زیست باشد و قوانین ملی یا بین‌المللی را نقض کند، از نظر حقوقی قابل اجرا نخواهد بود. این محدودیت‌ها نشان‌دهنده تعهد نظام حقوقی آلمان به رعایت ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی است که تأثیرات عمیقی بر نحوه اعمال اصل حاکمیت اراده دارد.

اصل حاکمیت اراده در حقوق فرانسه به عنوان ابزاری برای ایجاد قراردادهای انعطاف‌پذیر و توافقات مبتنی بر منافع طرفین عمل می‌کند، اما در عین حال با محدودیت‌هایی مواجه است که برای تضمین عدالت و حفاظت از ارزش‌های اجتماعی و حقوق افراد اعمال می‌شوند. این محدودیت‌ها نه تنها به حفظ نظم عمومی و اخلاق حسنه کمک می‌کنند، بلکه اعتماد عمومی به سیستم حقوقی را نیز تقویت می‌کنند. از سوی دیگر، قوانین حمایت از مصرف‌کننده به عنوان بخشی از این محدودیت‌ها، نقش مهمی در حفظ حقوق مشتریان و ارتقای شفافیت و انصاف در قراردادها ایفا می‌کنند. این قوانین، فضای امن‌تری برای طرفین قرارداد به‌ویژه مصرف‌کنندگان فراهم می‌آورند و به ارتقای استانداردهای اجتماعی و اقتصادی کمک می‌کنند.

تحلیل چالش‌های مرتبط با اصل حاکمیت اراده در حقوق فرانسه نشان می‌دهد که این اصل نه تنها به عنوان یکی از ارکان اصلی حقوق قراردادها، بلکه به عنوان ابزاری برای تعادل میان آزادی عمل و حفظ عدالت اجتماعی عمل می‌کند. با این حال، تداخل این اصل با نظم عمومی، اخلاق حسنه و قوانین مصرف‌کننده نشان‌دهنده پیچیدگی‌ها و ضرورت توجه دقیق به تمامی جنبه‌های حقوقی، اخلاقی و اجتماعی در تنظیم قراردادها است.

نمونه‌ای از این مفهوم می‌تواند در قراردادهای مصرفی دیده شود که ممکن است شامل شرایطی باشند که حقوق مصرف‌کننده را محدود کنند یا بار سنگینی بر دوش او بگذارند. در چنین مواردی، قوانین حمایت از مصرف‌کننده به‌عنوان معیاری برای تضمین عدالت در قراردادها عمل می‌کنند. این قوانین الزاماتی نظیر شفافیت در اطلاعات ارائه شده، ضمانت کیفیت محصولات و جلوگیری از شروط غیرمنصفانه را به طرفین تحمیل می‌کنند. هدف از این مقررات، جلوگیری از سوءاستفاده و تضمین انصاف در روابط قراردادی است.

در مجموع، اصل حاکمیت اراده در حقوق آلمان به‌عنوان یکی از اصول کلیدی و انعطاف‌پذیر شناخته می‌شود که به طرفین قرارداد آزادی عمل می‌دهد، اما در چارچوب قوانین و مقررات خاصی اعمال می‌شود. این چارچوب‌ها شامل رعایت نظم عمومی، اخلاق حسنه، قوانین اجباری و عدالت قراردادی است. تداخل این اصل با قوانین و مقررات مختلف نشان‌دهنده پیچیدگی و ضرورت توجه به تمامی جنبه‌های حقوقی و اجتماعی در تنظیم قراردادها است.

۱۴. چالش‌های حقوقی و قانونی در حقوق ایران

یکی از چالش‌های مهم در حقوق ایران، تداخل اصل حاکمیت اراده با قوانین اجباری و نظم عمومی است. این مسئله نشان‌دهنده تعارض بین آزادی طرفین در تنظیم قراردادها و الزام به رعایت قوانین عمومی و اخلاقی جامعه است. قوانین اجباری و نظم عمومی به‌عنوان چارچوب‌هایی اساسی برای حفظ عدالت اجتماعی، جلوگیری از سوءاستفاده‌ها و تضمین حقوق عمومی تعریف شده‌اند. قراردادهایی که با این قوانین و مقررات مغایرت داشته باشند، از نظر حقوقی معتبر شناخته نمی‌شوند. این محدودیت می‌تواند آزادی طرفین در تعیین شرایط قرارداد را تحت‌الشعاع قرار دهد، اما در عین حال به حفظ عدالت و انسجام اجتماعی کمک می‌کند.

مثال بارز این محدودیت، قراردادهای کار است که در آن‌ها قوانین کارگری و تأمین اجتماعی نقش محوری دارند. این قوانین به‌عنوان مقررات اجباری، آزادی طرفین در تعیین شرایط کار و دستمزد را محدود می‌کنند. برای مثال، حداقل دستمزد، ساعات کاری، شرایط ایمنی و بهداشت حرفه‌ای از جمله موضوعاتی هستند که باید طبق قوانین اجباری رعایت شوند. این محدودیت‌ها از یک سو ممکن است فضای مانور طرفین در تنظیم شرایط را محدود کند، اما از سوی دیگر، حقوق کارگران را تضمین کرده و از بهره‌کشی و نقض حقوق انسانی جلوگیری می‌کند.

علاوه بر این، تفسیر و اجرای قوانین مربوط به اصل حاکمیت اراده توسط دادگاه‌ها و مقامات قضایی نیز از دیگر چالش‌های مهم است. تفسیرهای مختلف از یک قانون می‌تواند باعث ایجاد ناهماهنگی و عدم قطعیت در دعاوی حقوقی شود. در واقع، نحوه تفسیر قوانین توسط دادگاه‌ها تأثیر زیادی بر نحوه اعمال اصل حاکمیت اراده دارد. برخی دادگاه‌ها ممکن است رویکردی انعطاف‌پذیر در

تفسیر قوانین داشته باشند و آزادی عمل بیشتری به طرفین بدهند، در حالی که دادگاه‌های دیگر ممکن است تفسیرهای سخت‌گیرانه‌تری ارائه دهند. این اختلافات می‌تواند منجر به نتایج متفاوتی در دعوی قراردادی شود و باعث ایجاد ابهام در حقوق و تعهدات طرفین گردد.

۱۵. تجزیه و تحلیل

در این مقاله اصل حاکمیت اراده در قراردادهای نفتی را با تأکید بر بررسی مقاله و جامع تحلیل کرده‌ایم. اصل حاکمیت اراده، به معنای آزادی طرفین در تنظیم و توافق بر شرایط قرارداد، یکی از اصول اساسی در حقوق قراردادها است. این اصل به طرفین اجازه می‌دهد تا با استقلال و بدون دخالت‌های غیرضروری از سوی قوانین یا دولت، بر حقوق و تعهدات خود تصمیم‌گیری کنند. در ابتدا، به بررسی تاریخی و نظریه‌ای اصل حاکمیت اراده پرداختیم. این اصل از دوره‌های قدیمی حقوق رومی و حتی قبل از آن در حقوق مذهبی وجود داشته و توسعه یافته است. از نظر نظریه‌پردازان حقوقی، اصل حاکمیت اراده بر اساس آزادی اراده انسان‌ها و احترام به تصمیمات آزادانه آن‌ها بنا شده است.

در بخش دوم مقاله به بررسی کاربرد این اصل در قراردادهای نفتی پرداختیم. قراردادهای نفتی به دلیل ماهیت خاص خود، از جمله ارزش اقتصادی بالا و زمان‌بر بودن فرایندهای استخراج و تولید، نیازمند تنظیم دقیق و مشخصی هستند. در این راستا، اصل حاکمیت اراده به طرفین اجازه می‌دهد تا بر شرایط مختلف قرارداد، از جمله نحوه استخراج، توزیع سود و مدیریت منابع تصمیم‌گیری کنند. در بخش سوم، به چالش‌ها و مشکلات اجرای اصل حاکمیت اراده در قراردادهای نفتی پرداخته‌ایم. برخی از این چالش‌ها شامل تضادهای منافع بین طرفین، تغییرات قوانین و مقررات دولتی و تأثیرات زیست‌محیطی استخراج نفت می‌باشد. این عوامل می‌توانند باعث شوند که اجرای اصل حاکمیت اراده به طور کامل ممکن نباشد و نیاز به تنظیمات و توافقات مجدد بین طرفین باشد. در نهایت، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اصل حاکمیت اراده با وجود چالش‌ها و مشکلات، همچنان به عنوان یک اصل اساسی و مهم در تنظیم قراردادهای نفتی باقی می‌ماند. احترام به تصمیمات آزادانه طرفین و فراهم کردن زمینه برای تنظیم شرایط مطلوب قرارداد، از جمله مزایای این اصل می‌باشد که می‌تواند به بهبود روابط تجاری و افزایش اعتماد بین طرفین کمک کند. در پایان، پیشنهادات کاربردی برای بهبود اجرای اصل حاکمیت اراده در قراردادهای نفتی ارائه شده است. این پیشنهادات شامل تدوین قوانین شفاف و مشخص، ایجاد نظام‌های نظارتی موثر و توجه به جنبه‌های زیست‌محیطی قراردادها می‌باشد. با اجرای این پیشنهادات، می‌توان امید داشت که اصل حاکمیت اراده به شکل بهتری در قراردادهای نفتی به کار گرفته شود و باعث ارتقای کیفیت و کارایی این قراردادها گردد.

بررسی اصل حاکمیت اراده در قراردادهای نفتی نشان می‌دهد که این اصل همچنان — با وجود پیچیدگی‌ها و محدودیت‌های متعدد — نقش کلیدی در تنظیم، تعادل بخشی و پایداری روابط قراردادی دارد. مهم‌ترین نتایج و یافته‌های این پژوهش عبارت‌اند از:

برتری و محدودیت همزمان اصل حاکمیت اراده: اصل حاکمیت اراده، به‌مثابه رکنی اساسی در حقوق قراردادهای، بنیان آزادی طرفین را در تعیین شروط قراردادی تشکیل می‌دهد. در اغلب نظام‌های حقوقی توسعه یافته، این اصل در کنار سایر اصول اساسی همچون لزوم رعایت نظم عمومی و اخلاق حسنه، موجب انعطاف‌پذیری و کارآمدی قراردادهای شده است (Kessedjian, 2019؛ جعفری‌لنگرودی، ۱۳۵۷). با این حال، بررسی تجربه ایران و سایر نظام‌های حقوقی نشان می‌دهد که کاربرد این اصل در قراردادهای نفتی، به علت دخالت دولت‌ها، ماهیت حاکمیتی منابع طبیعی و حساسیت‌های اقتصادی و سیاسی همراه با محدودیت‌هایی روبه‌روست (موسوی، ۱۳۹۴؛ نیکبخت و موسوی، ۱۳۹۵).

نقش دولت‌ها و الزامات مقرراتی: در قراردادهای نفتی، اعم از قراردادهای مشارکت در تولید، خدماتی یا بیع متقابل، دولت‌ها معمولاً به واسطه حاکمیت و مالکیت کامل بر منابع نفتی، نقش اصلی را ایفا می‌کنند. این حضور پررنگ دولت باعث می‌شود بسیاری از شروط قراردادی و الگوهای قراردادی خارج از قلمرو آزادی طرفین تعیین شود (ابراهیمی و عینی، ۱۳۹۷؛ آقایی، ۱۳۹۳). به همین دلیل، آزادی اراده در این قراردادهای غالباً نسبی و در قالب چارچوب‌های قانونی تعریف می‌گردد.

کارکرد مثبت اصل حاکمیت اراده در تنظیم شفاف و منعطف قراردادهای: علیرغم چالش‌ها، یافته‌ها نشان می‌دهد اصل حاکمیت اراده منجر به افزایش شفافیت و دقت در تدوین مفاد قرارداد، سهولت حل اختلافات و سرعت بخشی به فرآیند مذاکره و اجرای پروژه‌های نفتی شده است. به ویژه کاربرد شروط تطبیقی (مانند شروط تثبیت و تعدیل) و مکانیسم‌های حل اختلاف (مانند داوری بین‌المللی) نتیجه مستقیم رعایت این اصل بوده‌اند که نقش مهمی در کاهش ریسک و ایجاد امنیت حقوقی ایفا می‌کنند (Kessedjian, 2019).

تحولات بین‌المللی و ضرورت تطبیق نظام حقوقی ایران: تحولات مستمر در صنعت نفت، اعم از تغییرات قیمت و فناوری، تغییر سازوکارهای سرمایه‌گذاری خارجی و الزام به رعایت ملاحظات زیست‌محیطی، تاثیر بسزایی بر شکل و محتوای قراردادهای نفتی می‌گذارند و این

تحولات نیاز به انعطاف‌پذیری سازوکارهای حقوقی را دوچندان می‌کند. تجارب کشورهای فرانسه و آلمان نشان داده است که ترکیب اصل حاکمیت اراده با ابزارهای مکمل حقوقی و نظارتی، باعث پایداری بیشتر قراردادهای نفتی شده است (Kessedjian, 2019; موسوی، ۱۳۹۴).

چالش‌های اساسی و موانع تحقق کامل اصل حاکمیت اراده: مداخلات گاه‌وبی‌گاه دولت، عدم ثبات قوانین، وجود بروکراسی پیچیده، ضعف در آموزش تخصصی حقوق نفت و فقدان چارچوب‌های شفاف قراردادی، از جمله مهم‌ترین موانع بر سر راه تحقق عملی اصل حاکمیت اراده در قراردادهای نفتی ایران بوده است (زارع، ۱۴۰۱؛ دوست‌محمدی، ۱۳۹۵).

۱۵-۱. پاسخ به سوالات

۱. آیا حاکمیت اراده در قراردادهای نفتی به‌طور کامل رعایت می‌شود و چه موانعی بر سر راه آن وجود دارد؟

حاکمیت اراده به‌عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق قراردادها، در قراردادهای نفتی به‌طور کامل رعایت نمی‌شود. موانع متعددی بر سر راه این اصل وجود دارد که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- موانع قانونی: قوانین ملی و بین‌المللی ممکن است محدودیت‌هایی برای حاکمیت اراده ایجاد کنند. به‌عنوان مثال، قوانین ملی در برخی کشورها می‌توانند به‌طور مستقیم بر شرایط قراردادها تأثیر بگذارند و حق انتخاب طرفین را محدود کنند.
- فشارهای اقتصادی: نوسانات قیمت نفت و شرایط اقتصادی جهانی می‌تواند بر توانایی طرفین در اجرای قراردادها تأثیر بگذارد. در شرایط بحران اقتصادی، شرکت‌های نفتی ممکن است تحت فشار قرار گیرند تا به توافقات غیرعادلانه تن دهند.
- فشارهای سیاسی: روابط بین‌المللی و سیاست‌های دولتی نیز می‌توانند بر حاکمیت اراده تأثیر بگذارند. به‌عنوان مثال، تحریم‌ها یا تغییرات در سیاست‌های دولتی می‌تواند به‌طور مستقیم بر قراردادهای نفتی تأثیر بگذارد.

۲. چه عواملی می‌توانند بر اصل حاکمیت اراده تأثیرگذار باشند، از جمله قوانین ملی، فشارهای اقتصادی و سیاسی، و تفاوت‌های فرهنگی؟

عوامل متعددی می‌توانند بر اصل حاکمیت اراده تأثیرگذار باشند:

- قوانین ملی: قوانین داخلی کشورها می‌توانند به‌طور مستقیم بر شرایط قراردادهای تأثیر بگذارند. به‌عنوان مثال، برخی کشورها ممکن است قوانین خاصی برای قراردادهای نفتی داشته باشند که به‌طور مستقیم بر حاکمیت اراده تأثیر می‌گذارد.
- فشارهای اقتصادی: نوسانات اقتصادی و تغییرات در بازار نفت می‌تواند به‌طور مستقیم بر توانایی طرفین در اجرای قراردادهای تأثیر بگذارد. این فشارها ممکن است منجر به توافقات غیرعادلانه شود.
- فشارهای سیاسی: تغییرات در سیاست‌های دولتی و روابط بین‌المللی می‌تواند به‌طور مستقیم بر قراردادهای نفتی تأثیر بگذارد. به‌عنوان مثال، تحریم‌ها می‌توانند به‌طور مستقیم بر توانایی شرکت‌های نفتی برای اجرای قراردادهای تأثیر بگذارند.
- تفاوت‌های فرهنگی: تفاوت‌های فرهنگی و نگرش‌های مختلف نسبت به قراردادهای حاکمیت اراده می‌تواند بر نحوه اجرای قراردادهای تأثیر بگذارد. در برخی فرهنگ‌ها، ممکن است به حاکمیت اراده کمتر توجه شود و به توافقات غیررسمی بیشتر اهمیت داده شود.

۳. چگونه می‌توان تعادل میان حاکمیت اراده و الزامات قانونی و اقتصادی را برقرار کرد تا منافع طرفین به‌طور عادلانه تأمین شود؟

برای برقراری تعادل میان حاکمیت اراده و الزامات قانونی و اقتصادی، می‌توان به موارد زیر توجه کرد:

- تدوین قوانین شفاف: ایجاد قوانین و مقررات شفاف و قابل پیش‌بینی می‌تواند به طرفین کمک کند تا با اطمینان بیشتری به توافقات خود پایبند باشند.
- مذاکره و توافقات عادلانه: طرفین باید در مذاکرات خود به دنبال توافقات عادلانه باشند که منافع هر دو طرف را تأمین کند. این می‌تواند شامل استفاده از مشاوران حقوقی و اقتصادی باشد.
- توسعه سازوکارهای حل اختلاف: ایجاد سازوکارهای مؤثر برای حل اختلافات می‌تواند به طرفین کمک کند تا در صورت بروز مشکلات، به راحتی و به‌طور عادلانه به حل و فصل اختلافات بپردازند.

۴. چه راهکارهایی می‌توان برای تقویت اصل حاکمیت اراده در قراردادهای نفتی ارائه داد و چگونه می‌توان از بروز اختلافات و دعاوی حقوقی جلوگیری کرد؟

برای تقویت اصل حاکمیت اراده در قراردادهای نفتی و جلوگیری از بروز اختلافات، می‌توان به موارد زیر توجه کرد:

- آموزش و آگاهی: افزایش آگاهی و آموزش طرفین در مورد حقوق و الزامات خود می‌تواند به بهبود حاکمیت اراده کمک کند.
- تدوین قراردادهای استاندارد: استفاده از قراردادهای استاندارد و متناسب با شرایط خاص هر کشور می‌تواند به کاهش اختلافات کمک کند.
- استفاده از داوری: در صورت بروز اختلافات، استفاده از داوری به‌عنوان یک روش حل اختلاف می‌تواند به طرفین کمک کند تا بدون ورود به دادگاه‌های رسمی، به حل و فصل اختلافات بپردازند.

۱۵-۲. پاسخ فرضیات تحقیق

فرضیه اول: حاکمیت اراده در قراردادهای نفتی به‌طور کامل رعایت نمی‌شود و موانع قانونی و اقتصادی بر سر راه آن وجود دارد. این فرضیه با بررسی موارد عملی و تحلیل قراردادهای نفتی در ایران و سایر کشورها قابل تأیید است.

فرضیه دوم: قوانین ملی و بین‌المللی، فشارهای اقتصادی و سیاسی، و تفاوت‌های فرهنگی به‌طور قابل توجهی بر اصل حاکمیت اراده تأثیر می‌گذارند. این فرضیه با تحلیل تطبیقی و بررسی موارد مختلف قابل تأیید است.

فرضیه سوم: تضاد منافع میان کشورهای تولیدکننده نفت و شرکت‌های نفتی بین‌المللی منجر به بروز اختلافات و دعاوی حقوقی می‌شود. این فرضیه با بررسی نمونه‌های عملی و تحلیل اختلافات موجود قابل تأیید است.

فرضیه چهارم: ارائه راهکارهای حقوقی و عملی می‌تواند به تقویت اصل حاکمیت اراده در قراردادهای نفتی و جلوگیری از بروز اختلافات کمک کند. این فرضیه با بررسی راهکارهای موجود و تحلیل نتایج آن‌ها قابل تأیید است.

۱۶. نتیجه‌گیری

در مجموع، اگرچه اصل حاکمیت اراده در قراردادهای نفتی با دامن‌های از ملاحظات و محدودیت‌ها همراه است، اما با اتخاذ رویکردهای اثبات‌شده در حقوق تطبیقی، تقویت دانش حقوقی و به‌کارگیری ابزارهای قراردادی و حقوقی نوین، می‌توان این اصل را به بهترین شکل ممکن در خدمت توسعه پایدار و منافع ملی قرار داد. سیاست‌گذاران، مدیران، و حقوق‌دانان باید همواره با تکیه بر دستاوردهای علمی و تجارب عملی، سازگاری میان آزادی قراردادی و مصالح کلان کشور را برقرار سازند تا صنعت نفت ایران از ظرفیت‌های حداکثری خود بهره‌مند گردد.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی درباره اصل حاکمیت اراده در قراردادهای نفتی اهمیت بالایی دارد و می‌تواند به تبیین جایگاه این اصل در تنظیم و اجرای قراردادها در صنعت نفت و اصل حاکمیت اراده یکی از اصول بنیادین در حقوق قراردادها به شمار می‌آید و در قراردادهای نفتی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این اصل به معنای این است که طرفین قراردادها می‌توانند به طور آزادانه و بدون هرگونه فشار یا تحمیلی، اراده خود را در تعیین شرایط قرارداد بیان کنند. در بررسی این اصل در زمینه قراردادهای نفتی، نکات و جوانب مختلفی باید مورد توجه قرار گیرد. نخستین نکته‌ای که باید مد نظر قرار گیرد، این است که صنعت نفت به دلیل ماهیت خاص خود و تأثیرات اقتصادی و اجتماعی آن، نیازمند قراردادهایی است که به صورت دقیق و واضح تنظیم شوند. حاکمیت اراده به طرفین این امکان را می‌دهد که شرایط و الزامات قرارداد را با توجه به نیازهای خاص خود تعیین کنند.

در این راستا، طرفین می‌توانند به توافقاتی برسند که با توجه به شرایط بازار، فناوری‌های موجود و الزامات قانونی، متناسب با منافع خود باشد. با این حال، در قراردادهای نفتی، حاکمیت اراده ممکن است با چالش‌هایی مواجه شود. یکی از این چالش‌ها، وجود مقررات و قوانین ملی و بین‌المللی است که ممکن است محدودیت‌هایی را برای طرفین ایجاد کند. به عنوان مثال، قوانین محیط زیست و الزامات مربوط به حفظ منابع طبیعی ممکن است بر اراده طرفین تأثیر بگذارد و به آن‌ها الزاماتی را تحمیل کند.

این امر می‌تواند موجب شود که طرفین نتوانند به طور کامل به حاکمیت اراده خود عمل کنند. علاوه بر این، در بسیاری از موارد، یک طرف قرارداد (به ویژه اگر دولت یا شرکت دولتی باشد) ممکن است از قدرت بیشتری نسبت به طرف دیگر برخوردار باشد. این عدم توازن در قدرت می‌تواند به ایجاد قراردادهایی منجر شود که به نفع طرف قوی‌تر است و ممکن است حقوق و منافع طرف ضعیف‌تر را نادیده بگیرد. در این زمینه، ضرورت وجود نهادهای نظارتی و حقوقی برای حمایت از حقوق طرفین و تضمین رعایت اصل حاکمیت اراده در قراردادها احساس می‌شود. از سوی دیگر، در دنیای امروز و به ویژه در صنعت نفت، عوامل جهانی و تحولات سیاسی نیز می‌توانند بر حاکمیت اراده تأثیر بگذارند. نوسانات قیمت نفت، تحریم‌ها و تغییرات سیاسی می‌توانند شرایط قراردادها را تحت تأثیر قرار دهند و طرفین را مجبور کنند تا بر اساس واقعیت‌های جدید، مجدداً به مذاکره بپردازند.

در این راستا، انعطاف‌پذیری و قابلیت انطباق در قراردادها از اهمیت بالایی برخوردار است. در نتیجه، می‌توان گفت که اصل حاکمیت اراده در قراردادهای نفتی از اهمیت خاصی برخوردار است، اما باید در نظر داشت که این اصل در چارچوب قوانین ملی و بین‌المللی و نیز با توجه به شرایط اقتصادی و سیاسی باید مورد توجه قرار گیرد. به منظور حفظ منافع طرفین و ایجاد قراردادهایی عادلانه و متوازن، وجود سازوکارهای نظارتی و حقوقی الزامی است. همچنین، آموزش و آگاهی

طرفین از حقوق و الزامات قانونی می‌تواند به تقویت حاکمیت اراده و جلوگیری از سوءاستفاده‌ها کمک کند (Zebari, 2020). با توجه به این نکات، می‌توان به آینده‌ای امیدوارکننده برای صنعت نفت و قراردادهای مرتبط با آن فکر کرد، جایی که حاکمیت اراده به معنای واقعی کلمه رعایت شود و منافع تمامی طرفین به طور عادلانه تأمین گردد.

۱۶-۱. پیشنهادات کاربردی و راهبردی

بازنگری در سیاست‌ها و قوانین بالادستی حوزه نفت: پیشنهاد می‌شود سیاست‌های کلان و قوانین مرتبط با قراردادهای نفتی به گونه‌ای بازنگری و به‌روزرسانی شوند که ضمن حفظ منافع حاکمیتی، فضای بیشتری برای تحقق آزادی اراده طرفین فراهم شود و شرایط رقابتی جذب سرمایه‌گذاری خارجی تقویت گردد (آقایی، ۱۳۹۳).

تدوین دستورالعمل‌ها و مدل‌های قراردادی شفاف و منعطف: توصیه می‌شود استفاده از الگوهای قراردادی استاندارد با امکان تعدیل، تطبیق با شرایط بازار و گنجاندن مکانیسم‌های حل اختلاف به صورت دقیق و قابل اجرا مورد توجه قرار گیرد تا امنیت حقوقی و رضایت طرفین تضمین شود (موسوی، ۱۳۹۴).

ارتقاء آموزش تخصصی و تقویت ظرفیت‌های حرفه‌ای: سرمایه‌گذاری در آموزش و ارتقای دانش حقوق‌دانان و مدیران صنعت نفت، به‌ویژه بر آموزش تطبیقی و آموزش حقوق بین‌الملل نفت و گاز، ضرورت اساسی دارد تا توان چانه‌زنی و انعقاد قراردادهای پیچیده افزایش یابد (زارع، ۱۴۰۱).

گسترش مطالعات تطبیقی و استفاده از تجارب جهانی: پیشنهاد می‌شود تجارب موفق کشورهای صاحب نوآوری در حقوق نفت همچون نروژ، فرانسه و آلمان به طور سیستماتیک بررسی و در تدوین سیاست‌های ملی قراردادهای نفتی لحاظ شود (Kessedjian, 2019).

توسعه و نهادینه‌سازی شروط تثبیت و تعدیل در قراردادها: در نظر گرفتن شروط تثبیت^۱ و تعدیل^۲ با هدف مدیریت ریسک‌های ناشی از تغییرات قوانین، مقررات و نوسانات بازار می‌تواند امنیت و انعطاف‌پذیری قراردادهای نفتی را به طور چشمگیری افزایش دهد (دوست‌محمدی، ۱۳۹۵).

توجه مستمر به توسعه پایدار و ملاحظات زیست‌محیطی: تاکید بر جنبه‌های توسعه پایدار، الزامات محیط‌زیست و تضمین تعادل میان منافع کوتاه‌مدت اقتصادی و منافع بلندمدت ملی و زیست‌محیطی باید از محورهای کلیدی در چارچوب‌گذاری قراردادهای نفتی آینده باشد (زارع، ۱۴۰۱).

1. Stabilization Clauses

2. Adaptation Clauses

تقویت نقش نهادهای نظارتی و تدوین نظام ارزیابی قراردادها: پیشنهاد می‌شود نقش نهادهای مستقل ارزیاب و ناظر بر اجرای قراردادهای نفتی، با هدف تضمین سلامت مالی و شفافیت اجرایی، نهادینه و تقویت شود.

افزایش استفاده از داوری بین‌المللی و سازوکارهای حل اختلاف موثر: تشویق طرفین به استفاده از سازوکارهای غیرقضایی در حل اختلاف، به ویژه داوری بین‌المللی، موجب کاهش هزینه و زمان رسیدگی و افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی خواهد شد (Kessedjian, 2019).



منابع

ابراهیمی، سید نصرالله؛ عینی، مجتبی (۱۳۹۷). «اصل آزادی قراردادی و محدودیت‌های آن در قراردادهای بالادستی نفتی بر اساس مدل جامع تفسل (TEFCEL)». مقاله‌نامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، (۱)، ۱۱-۴۹.

امین‌زاده، ا.، نصراللهی، ع. ن. (۱۳۹۹). «تبیین ماهیت قراردادهای نفتی از دیدگاه حقوق اداری». مطالعات حقوق انرژی، (۱)۶، ۳۸-۱۹.

اخلاقی، بهروز. (۱۳۹۳). «تحلیل قراردادهای بیع متقابل در حقوق نفت و گاز ایران». مجله حقوقی دادگستری.

بلندی برزکی، جلالی. (۲۰۲۳). «جایگاه قرارداد بین‌المللی مشارکت در سرمایه‌گذاری در صنعت نفت ایران». فصلنامه مطالعات حقوق عمومی دانشگاه تهران، ۵۳(۲)، ۸۷۵-۸۵۳.

جامبو، ا. آ. (۲۰۱۸). قراردادهای نفت و گاز: تحلیل قانون در بافتار با استفاده از نیجریه به عنوان مطالعه. دانشگاه ولورهمپتون.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۵۷). دایره‌المعارف حقوق مدنی و تجارت، ج اول (حقوق تعهدات، عقود و ایقاعات)، چاپ اول، تهران: مشعل آزادی.

دانیسوار، ک. ه. (۲۰۲۱). «آرمان عدالت به عنوان واکنشی نظری به خلاهای موجود در تنظیم اصل آزادی قراردادها در قراردادهای ساخت و ساز نفت و گاز در اندونزی». مجله بین‌المللی حقوق، ۷(۶)، ۶۵-۶۰.

درخشان، مسعود (۱۳۹۲). «ویژگی‌های مطلوب قراردادهای نفتی: رویکرد اقتصادی- تاریخی به عملکرد قراردادهای نفتی در ایران»، صص ۵۸-۴۹. آدرس دسترسی <https://civilica.com/doc/707652>
زارع، هادی (۱۴۰۱). «اصول حاکم بر قراردادهای نفتی در نظام حقوقی ایران». مقاله‌نامه تمدن حقوقی، (۱۱)۵، صص ۴۵۳-۴۶۶.

صفایی، سیدحسین (۱۳۸۵). حقوق بین‌الملل خصوصی. تهران: انتشارات میزان.
قبادی پور، روح اله؛ میرزایی، جمشید (۱۴۰۲). «اصول حاکم بر قراردادهای نفتی»، پنجمین کنفرانس ملی نوآوری و پژوهش در روانشناسی، حقوق و مدیریت فرهنگی، تهران، آدرس دسترسی <https://civilica.com/doc/1751200>

کاشانی، جواد؛ دامن پاک، جعفر (۱۳۹۹). «ماهیت رویه‌های بین‌المللی صنعت نفت و آثار آن بر قانون حاکم بر قراردادهای بخش بالادستی». مطالعات حقوق انرژی، (۲)۶، صص ۴۱۷-۴۴۰.

کاظمی نجف آبادی، عباس (۱۳۹۶). «مالکیت نفت در قراردادهای نفتی بین‌المللی از منظر حقوق خصوصی». پژوهش حقوق خصوصی، (۱۸)۵، صص ۱۳۱-۱۶۵.

یانی یونسار یاسین، ایرما ساهویتری لادو (۲۰۲۵). «اصل آزادی قرارداد در قراردادهای نفتی...». مجله JILPR، بررسی حقوق و سیاست اندونزی، (۳)۶، ۴۴۸-۴۴۱.

The Oil and Gas Law Review (2016) Edition 4. Abu Dhabi. thelawreviews.co.uk/edition/the-oil-and-gas-law-review-edition-4/1140321/abudhabi

Webb Michael (2012) the Legal Framework Concerning ABU DHABI oil Concession Opportunities and Challenges. www.hadefpartners.com

- Ckkkk mmmm C ()))))'Oil eeeeeee eæekk lttr i sss ttt fftrr
Crude Price Plunge.
Financial Times, 27 April 2015, <http://www.ft.com/intl/cms/s/2/1e4570d0-ea5d-11e4-96ec-00144feab7de.html#axzz41hKoBgz3> (accessed 29 Apr. 2015). 12. Evans-Pritchard,
13. Nolan Peter A Thurber Mark (2010). *C. Risk Management and the Frontier of the petroleum Industry on the States choice of Oil Company.* www.fsi.stanford.edu
- iiii iii M ())))))'It' Gtt ti Heeee f Oil Cmiiii ss t Meee Myyyy
Hrr'' W''' Mtt rrr eeee
<http://www.motherjones.com/environment/2015/09/shell-arcticoil-chevronexxon-bp> (accessed 3 Oct. 2015).
- ()))))'oossil ttttt tt itt rrrrrr m rrrrrr iff tii yyll'' Dii l ll rrr
July 2014, http://www.telegraph.co.uk/finance/comment/ambroseevans_pritchard/10957292/
- Apicorp Energy Research (2017) Vol. 02 No. 04 | January 2017.
- Cameron, P. (1999). *International Energy Investment Law.* Oxford: Oxford University Press.
- Ghaddar Ahmad (2016) *(Iraq Offers Oil Fields Under New Contract Terms* <http://www.reuters.com/article/us-iraq-oil-contract>
- Ghandi Abbas and Lawell C.-Y. Cynthia Lin (2017) *an Analysis of the Economic Efficiency of Oil Contracts: A Dynamic Model of the Rumaila Oil Field in Iraq.* clinlawell.dyson.cornell.edu/Iraq_TSC_.
- Hassan, Shafiqul & Amuda, Yusuff & Dhali, Mohsin & Mehar, Saghir. (2023). *Contract Structure of Production Sharing Agreement by International Oil Company in Exploration of Petroleum Resources in Developing Countries.* *International Journal of Energy Economics and Policy.* 13. 7-14. 10.32479/ijeep.14142.
- Hassan, Shafiqul & Amuda, Yusuff & Dhali, Mohsin & Mehar, Saghir. (2023). *Contract Structure of Production Sharing Agreement by International Oil Company in Exploration of Petroleum Resources in Developing Countries.* *International Journal of Energy Economics and Policy.* 13. 7-14. 10.32479/ijeep.14142.
- Lowe, V. (2012). *Sustainable Development and Natural Resources Contracts.* *International Law Review.*

Research Article

The Principle of Autonomy of Will in Oil Contracts

Alireza Barati¹ and Majid Rahmani²

Date of received: 2025/05/10

Date of Accept: 2025/06/10

Abstract

This article examines the principle of autonomy of will in oil contracts. As a fundamental principle of contract law, the autonomy of will allows parties to make decisions regarding their rights and obligations freely within the framework of law and contractual agreements. In oil contracts, due to technical and economic complexities, as well as the involvement of states as key contractual parties, the role of this principle becomes particularly significant. This research first introduces the basic concepts of the autonomy of will and analyzes its application in oil contracts. It then examines contractual provisions, financial agreements, legal issues, and environmental impacts. Additionally, the role of states and regulatory bodies in implementing this principle, along with related challenges, is explored. In light of global developments in the oil industry and changes in legal and regulatory frameworks, this study investigates the effects of these changes on the autonomy of will in oil contracts. Practical examples from oil contracts in various countries are analyzed, highlighting lessons learned in applying this principle. The findings indicate that, despite existing challenges and limitations, the autonomy of will remains a foundational and essential principle in structuring oil contracts. By balancing the rights and obligations of contractual parties, this principle contributes to enhanced transparency, contractual certainty, and the realization of mutual benefits.

Keywords: *autonomy of will, oil contracts, contract law, role of states, contractual obligations.*

Citation (APA 7th ed. / APSA)

Barati, Alireza; Rahmani, Majid (Winter 2026). "The Principle of Autonomy of Will in Oil Contracts" *Quarterly Journal of Research in History, Politics and Media*. Vol. 8, Num. 4, S.No. 32, pp. 103 - 146.

¹. M.A. Student in Private Law, Department of Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Nourabad Mamasani, Iran. Email: Alireza.barati5396@iau.ac.ir

². Instructor, Department of Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Nourabad Mamasani, Iran. Email: Rahmani_iau@yahoo.com

Copyright © 2010, KSSI (Karimeh Strategic Studies Institute Of Shiraz). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material.

References

- Akhlaqi, B. (2014). *Analysis of buy-back contracts in Iranian oil and gas law. Judiciary Law Journal.*(in Persian)
- Aminzadeh, A., & Nasrollahi, A. N. (2020). *Explaining the nature of oil contracts from the perspective of administrative law. Energy Law Studies, 6(1), 19–38.*(in Persian)
- Apicorp Energy Research (2017) Vol. 02 No. 04 | January 2017.
- Bolandi Barzaki, J. (2023). *The position of international investment law studies quarterly, 53(2), 853–875.*(in Persian)
- Cameron, P. (1999). *International Energy Investment Law. Oxford: Oxford University Press.*
- Ckddd mmmm C ()))))'Oil eeeeeee eækk lttt i sss ttt fftrr Crude Price Plunge.
- Daniswara, K. H. (2021). *The ideal of justice as a theoretical response to gaps in regulating the principle of freedom of contract in oil and gas construction contracts in Indonesia. International Journal of Law, 7(6), 60–65.*
- Derkhshan, M. (2013). *Desirable characteristics of oil contracts: An economic-historical approach to the performance of oil contracts in Iran (pp. 49–58). Available at: https://civilica.com/doc/707652 .*(in Persian)
- Ebrahimi, S. N., & Aini, M. (2018). *Principle of contractual freedom and its limitations in upstream oil contracts based on the TEFCEL comprehensive model. Research and Development in Comparative Law, 1(1), 11–49.*(in Persian)
- Financial Times, 27 April 2015, <http://www.ft.com/intl/cms/s/2/1e4570d0-ea5d-11e4-96ec-00144feab7de.html#axzz41hKoBgz3> (accessed 29 Apr. 2015). 12. Evans-Pritchard, 2014, http://www.telegraph.co.uk/finance/comment/ambroseevans_pritchard/10957292/
- Ghaddar Ahmad (2016) *(Iraq Offers Oil Fields Under New Contract Terms http://www.reuters.com/article/us-iraq-oil-contract*
- Ghandi Abbas and Lawell C.-Y. Cynthia Lin (2017) *an Analysis of the Economic Efficiency of Oil Contracts: A Dynamic Model of the Rumaila Oil Field in Iraq. clinlawell.dyson.cornell.edu/Iraq_TSC_.*
- Ghobadipour, R., & Mirzaei, J. (2023). *Principles governing oil contracts. In Proceedings of the Fifth National Conference on Innovation and Research in Psychology, Law and Cultural Management, Tehran. Available at: https://civilica.com/doc/1751200 .*(in Persian)
- Hassan, Shafiqul & Amuda, Yusuff & Dhali, Mohsin & Mehar, Saghir. (2023). *Contract Structure of Production Sharing Agreement by International Oil Company in Exploration of Petroleum Resources in Developing Countries. International Journal of Energy Economics and Policy. 13. 7-14. 10.32479/ijeep.14142.*

- Hassan, Shafiqul & Amuda, Yusuff & Dhali, Mohsin & Mehar, Saghir. (2023). *Contract Structure of Production Sharing Agreement by International Oil Company in Exploration of Petroleum Resources in Developing Countries. International Journal of Energy Economics and Policy*. 13. 7-14. 10.32479/ijeep.14142.
- Jafari Langroudi, M. J. (1978). *Encyclopedia of civil and commercial law* ())))))))))))))) '''' ll iiiiii .(in Persian)
- Jamiyu, A. A. (2018). *Oil and gas contracts: An analysis of the law in context using Nigeria as a case study*. University of Wolverhampton.
- Kashani, J., & Damanpak, J. (2020). *The nature of international practices in the oil industry and their effects on the governing law of upstream contracts. Energy Law Studies*, 6(2), 417i 440.(in Persian)
- Kazemi Najafabadi, A. (2017). *Ownership of oil in international oil contracts from the perspective of private law. Private Law Research*, 5(18), 131–165.(in Persian)
- Lowe, V. (2012). *Sustainable Development and Natural Resources Contracts. International Law Review*.
- Nolan Peter A Thurber Mark (2010). *C. Risk Management and the Frontier of the petroleum Industry on the States choice of Oil Company*. www.fsi.stanford.edu
- Safaei, S. H. (2006). *Private international law*. Tehran: Mizan Publications.(in Persian)
- iiii iii M ()))))'It' Gtt ti Heeee f Oil Cmiiii ss t Meee Myyyy Hrr'' W''' Mtt rrr eeee
<http://www.motherjones.com/environment/2015/09/shell-arcticoil-chevronexxon-bp> (accessed 3 Oct. 2015).
- The Oil and Gas Law Review* (2016) Edition 4 .Abu Dhabi. thelawreviews.co.uk/edition/the-oil-and-gas-law-review-edition-4/1140321/abudhabi
- Webb Michael (2012) *the Legal Framework Concerning ABU DHABI oil Concession Opportunities and Challenges*. www.hadefpartners.com
- Yiii Y Y & ()))))iii iii ll ff fee tttt ccct i
JILPR: Journal of Indonesian Law and Policy Review, 6(3), 441–448.(in Persian)
- Zare, H. (2022). *Principles governing oil contracts in the Iranian legal system. Legal Civilization Journal*, 5(11), 453–466.(in Persian)

